شهد سخن ۱۰

هم دلی و هم زبانی

نمونه فیش سخنرانی
ویژه ماه مبارک رمضان

دهه سوم

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد
خرداد و تیر ۹۴

شهد سخن ۱۰ هم دلی و هم زبانی


بسم الله الرحمن الرحيم



مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش ها

عنوان کتاب **شهدسخن۱۰/ هم‌دلی و هم‌زبانی**
نمونه فیش سخنرانی
ویژه ایام دهه سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ هـ.ق
تهیه دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امورمساجد
تحقیق و پژوهش: حجت‌الاسلام هاشمی‌نسب،
حجت‌الاسلام ابوالمعالی
صفحه‌آرایی کارگاه طراحی وگرافیک کمـان
نوبت چاپ اول، خردادماه ۱۳۹۴
نشانی قم، ۴۵ متری آیت‌الله صدوقی رحمه‌الله،
۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، پلاک ۱۰۳
کد پستی ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱
تلفن ۳۶ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۰۲۵
دورنگار ۳۲۹۲۳۸۳۷ - ۰۲۵
پورتال www.masjed.ir

فهرست

مقدمه ۹

۲۱ ■ خودسازی ۱۳

انگیزه سازی ۱۳

اقناع اندیشه ۱۶

رفتارسازی ۲۱

پرورش احساس ۲۵

روضه ۲۷

۲۲ ■ شب رحمت و مغفرت ۳۱

انگیزه سازی ۳۱

اقناع اندیشه ۳۳

رفتارسازی ۳۷

پرورش احساس ۳۹

روضه ۴۰

۲۳ ■ دشمن‌شناسی ۴۵

انگیزه سازی ۴۵

اقناع اندیشه ۴۸

رفتارسازی ۵۹
پرورش احساس ۶۲

۲۴ ■ وحدت شیعه و سنی ۶۵
انگیزه سازی ۶۵
اقناع اندیشه ۶۷
رفتارسازی ۷۱
پرورش احساس ۷۵
مناجات ۷۶

۲۵ ■ نقد منطقی، نقد مخرب ۷۷
انگیزه سازی ۷۷
اقناع اندیشه ۸۱
رفتارسازی ۸۸
پرورش احساس ۹۰
مناجات ۹۱

۲۶ ■ وظیفه مسئولین در قبال مردم ۹۳
انگیزه سازی ۹۳
اقناع اندیشه ۹۵
پرورش احساس ۱۰۲
رفتارسازی ۱۰۴
مناجات ۱۰۵

۲۷ ■ مسئولیت مردم در قبال دولت اسلامی ۱۰۷
انگیزه سازی ۱۰۷

اقناع اندیشه ۱۱۰
رفتارسازی ۱۱۸
پرورش احساس ۱۲۱
مناجات ۱۲۳

۲۸ ■ انسجام دولت و ملت عامل تحقق اقتصاد مقاومتی ۱۲۵
انگیزه سازی ۱۲۵
اقناع اندیشه ۱۲۸
رفتارسازی ۱۳۴
پرورش احساس ۱۳۶

۲۹ ■ همدلی دولت و ملت عامل دفع تهدیدهای داخلی و خارجی ۱۴۱
انگیزه سازی ۱۴۱
اقناع اندیشه ۱۴۳
رفتارسازی ۱۴۶
پرورش احساس ۱۴۷
مناجات ۱۵۰

۳۰ ■ یوم الجایزه ۱۵۱
انگیزه سازی ۱۵۱
اقناع اندیشه ۱۵۲
پرورش احساس ۱۵۷
رفتارسازی ۱۶۰

مقدمه

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله:

لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانُ السَّنَة؛

اگر بنده خدا می‌دانست که ماه رمضان چیست (چه برکتی وجود دارد) دوست می‌داشت که تمام سال، رمضان باشد.[1]

ماه مبارک رمضان، با شوکتی شگرف، به روی مشتاقان خدا، آغوش می‌گشاید و با هلال محرابی‌اش، هلهلهٔ اهل پارسایی و پروا می‌انگیزد. در ماه مبارک رمضان، می‌توان ذخایر درون را غنی ساخت و ریزش‌های نفسانی را با رویش‌های سبز «صبر» و «صلوة» جبران نمود. چرا که لغزشگاه‌ها، آنگاه رخ می‌نمایند که کاهش ذخایر نفسانی توان حرکت‌های پیش رونده را از رهروان سلب گرداند. گویا با تشریع روزه برای اهل ایمان، پرودگار مهربان اراده فرموده که هر سال با انباشت ذخایر نوین معنوی، از توان سیر و سلوک در صراط مستقیم کاسته نشده و با امداد از روشنایی روزه ، فانوس فطرت پایدار بماند. روزه، آموزه‌هایی دارد که هر

---

۱. بحارالانوار (ط- بیروت) ج ۹۳، ص ۳۴۶، ح ۱۲.

کدام از آنها دریایی از معنویت را به اوج می‌رساند.

رمضان، افزون بر اعطای فرصت خودسازی، مراقبت از نفس را برای روزه داران ملکه نموده و با کاستن تعلقات دنیایی، نورانیت و بصیرتی را به دنبال می‌آورد که می‌توان با نگاهی الهی، اعمال گذشته را واکاوی نمود و به زشتی و زیبایی آنها با دیدهٔ انصاف نگریسته و حراستی قوی را در وجود خود پدید آورد.

این برکات، آن‌گاه بیشتر رخ می‌نماید و ماندگار می‌گردد که مرغ جان ما به پناه‌گاه امن و آرام مسجد پناه ببرد و در میان خیل اراده‌های پولادین و دل‌های زلال اهل ایمان، زمزمهٔ مناجات برگیریم.

آری این حقیقتی انکار ناشدنی است که رمضان و مسجد پیوندی عمیق و دیرینه دارند و همزمان با فرارسیدن رمضان، مساجد ضیافتی از همدلی، صمیمیت و بندگی را به نمایش می‌گذارند و آیین های عبادی، پررنگ تر و پرشورتر از قبل تجلی می‌یابند.

فرصتی بس گران بها که خدای تبارک ابتداء در اختیار تک تک مؤمنان و میهمانان ضیافت خویش و سپس برای مبلغان و پرچمداران هدایت جامعه قرار داده است و همان‌طور که در رجب و شعبان می‌بایست زنگار دل بگیریم و خود را مهیای نشستن بر خوان کرامت الهی کنیم، بر اهل علم و منبرِ وعظ هم فرض است که خویش را مهیای هدایت و بهره‌برداری حداکثری از فضای بی‌بدیل ماه ضیافت الهی نمایند.

آنچه در این ایام و لیالی بیش از هر زمان دیگری مورد تقاضا و درخواست مخاطبان مؤمن منابر و محافل مذهبی است، سلسله مباحث معرفتی، اخلاقی و معنوی است که برگرفته از آیات، روایات و سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و بتواند با قالبی نو و با بیانی رسا و ارائه‌ای دلنشین، آرام‌بخش دل و جان روزه داران و چراغ راه جویندگان علم و معرفت باشد.

مرکز رسیدگی به امور مساجد در راستای رسالت خود در ارائه خدمات فرهنگی و تبلیغی، مجموعه‌ای از منشورات و محتواهای سودمند را به مناسبت ماه مبارک رمضان تدارک دیده است و این اثر حلقه‌ای از سلسله محصولات و محتوایی است که مباحث گوناگون را با بهره‌گیری از قلمی شیوا و اثرگذار تألیف و گردآوری نموده است.

ضمن سپاس از تلاش‌ها و زحمات نویسندگان و محققین ارجمند و همکاران گرانقدر در ادارهٔ تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمهٔ محترم جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

جعلنا الله من عامری مساجدالله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی- اجتماعی

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۱
خودسازی

انگیزه‌سازی

ابوامامه باهلی می‌گوید: ثعلبة بن حاطب انصاری، خدمت حضرت رسول اکرم ﷺ رسیده و گفت: ای رسول خدا! از خدا بخواه تا مالی به من روزی دهد و مرا توانگر سازد.

نبی گرامی ﷺ فرمود: وای بر تو ای ثعلبه! اگر خدا به کسی مال کمی بدهد که بتواند شکر نعمت را به جای آورد بهتر از این است که دارائی زیاد به او مرحمت کند و او توانائی آن را نداشته باشد که شکر نعمتش را به جای بیاورد.

ثعلبه بار دیگر چنین استدعائی کرد. حضرت فرمود: آیا تو راضی نیستی که مانند نبی الله باشی؟ سوگند به کسی که جانم در ید قدرت اوست، اگر من بخواهم که سیل طلا و نقره از کوه‌ها

جاری شود، جاری خواهد شد.

ثعلبه در جواب، عرض کرد: به خدائی که تو را به حق مبعوث کرد، اگر از او طلب کنی که مال زیادی به من عنایت کند، تمام حقوق شرعی که بر آن تعلق می‌گیرد را به صاحبان حق خواهم داد. پیامبر ﷺ دعا کرد: بار خدایا، ثعلبه را مالی زیاد روزی کن. ثعلبه گوسفندی خرید، همان‌گونه که کرم‌ها در اندک مدتی تولید نسل کرده و زیاد می‌شوند، آن گوسفند هم زاد و ولد کرد و زیاد شد. به طوری که بعد از مدتی، مراتعِ مدینه با آن وسعت، گنجایش نگاه‌داری آن‌ها را نداشت. ثعلبه گوسفندان را به طرف بیابانی از بیابان‌های مدینه راند و آن قدر کارش بالا گرفت که برای ادای نمازهای پنج‌گانه، فقط نماز ظهر و عصر را با جماعت می‌گزارد و نمازهای دیگر را در جماعت حاضر نمی‌شد. باز گوسفندان مانند کرم‌ها زاد و ولد کردند و مشغله‌ی ثعلبه زیاد شد و فقط نماز جمعه را با جماعت می‌گزارد. گوسفندان باز زاد و ولد کردند و ثعلبه برای رسیدگی به آن‌ها از شرکت در نماز جمعه نیز محروم ماند و نتوانست در آن حاضر شود.

روزی رسول الله ﷺ از اصحاب سؤال کرد: ثعلبه چه می‌کند؟ پاسخ دادند: گوسفندی خرید و به دعای شما خداوند آن قدر به او برکت داد که مدینه گنجایش و تحمل گوسفندان او را نداشت.

حضرت رسول ﷺ سه بار فرمود: «یا ویح ثعلبه» وای بر ثعلبه. در همین اثناء خداوند متعال این آیه را فرو فرستاد: «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ

صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ»[۱] (ای محمد! از اموال آنان زکات و صدقه بگیر تا آن‌ها را پاک کنی و به وسیله آن صدقه، پاکیزگی آنان را زیاد کنی، و برایشان دعا کن، همانا دعای تو برای آنان آرامش است.)

و بدین وسیله خداوند فرایض و واجبات از صدقه را فرو فرستاد. نبی اکرم ﷺ دو نفر از مسلمانان را برای گرفتن صدقه تعیین کرده و برای آنان نوشت که چگونه صدقه بگیرند. حضرت به آن دو فرمود: نزد ثعلبه و فلان کس از بنی سلیم بروند و از آنان زکات متعلق به اموالشان را بگیرند و بیاورند. آن دو نفر که مأمور وصول زکات بودند، ابتداء نزد ثعلبة آمدند و از او مطالبه زکات کردند و دست خط پیغمبر گرامی را برای او خواندند. ثعلبه گفت: این چیزی که از من می‌خواهید، زکات و صدقه نیست، بلکه «جزیه» است و اگر به طور صریح جزیه نباشد، همتای جزیه است. من این حرف‌ها را نمی‌دانم. شما بروید تا من در این باره فکر بکنم، بعداً بیائید.

آنان نزد مردی که از بنی سلیم بود، رفتند و اظهار داشتند پیغمبر خدا ﷺ فرموده است که زکات اموال خود را بده. آن مرد با گشاده‌روئی، بهترین شتران خود را برای زکات برگزید و از گله بیرون آورد و تقدیم فرستادگان نبی اکرم ﷺ کرد. وقتی که آنان آن شتران برگزیده را دیدند گفتند: این شترانی که برای صدقه می‌دهی، از صدقه‌ای که به اموال تو تعلق می‌گیرد، بیشتر است و ما مأموریت نداریم که زیادتر از زکات متعلقه بگیریم.

---

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۴

مرد زکات دهنده گفت: بلی، بگیرید. من از صمیم قلب بهترین شتران خود را دادم و به این کار هم خشنودم.

آن دو نفر پس از وصول زکات، مجدداً نزد ثعلبه آمدند. ثعلبه گفت: نوشته پیغمبر را بدهید تا ببینم در آن چه نوشته است؟ پس از قرائت آن نامه اظهار داشت: این زکات نیست، بلکه جزیه است یا همتای جزیه می‌باشد! فعلاً بروید تا باز هم در این باره فکر کنم.

آن دو مأمور برگشتند و خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیدند.

هنگامی که رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله آن دو را دید، قبل از آنکه آنان صحبت کنند و رویداد را بگویند، فرمود: وای بر ثعلبه. سپس برای آن مرد بنی سلیم، که زکات خود را از بهترین شتران داده بود، دعای خیر کرد و از خداوند برای او برکت استدعا نمود. آن مأمورانِ وصول صدقه، پیغمبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله را از نتیجه مأموریت خود و عملی که ثعلبه و آن مرد بنی سلیمی کرده بودند، آگاه ساختند. پس خداوند تعالی این آیه را فرو فرستاد:

«وَ مِنْهُمْ مَنْ عاهَدَ اللهَ لَئِنْ آتانا مِنْ فَضْلِهِ ...» تا «بِما كانُوا يَكْذِبُونَ»[1,2]

اقناع اندیشه

خودسازی و تهذیب نفس، مسئله‌ای است که انسان‌های

۱. التوبه، آیات ۷۵ الی ۷۷

۲. محمد جعفر اسلامی، شأن نزول آیات، ص: ۳۱۰

مؤمن به دنبال آن هستند، چرا که مهذب شدنِ نفس، نتیجه مهمی به دنبال دارد. همان که خداوند متعال می‌فرماید:

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَ ذَلِکَ جَزَاءُ مَنْ تَزَکَّی.[۱]

[و آن] بهشت‌های پایداری است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است که در آن جاودانه‌اند و این است پاداش کسانی که خود را [با ایمان و عمل صالح از آلودگی‌ها] پاک کرده‌اند.

البته مسیر خودسازی مسیر ساده‌ای نیست و موانع متعددی بر سر راه خودسازی وجود دارد که انسان مؤمن با تلاش و دعا باید این موانع را از سر راه بردارد. برخی از موانع خودسازی را در اینجا بیان می‌کنیم:

۱. انباشته شدن گناهان

فرمود: هرگاه بنده‌ای گناهی مرتکب شود، نقطه سیاهی در قلبش پیدا می‌گردد. اگر توبه کرد، برطرف می‌شود و اگر توبه نکرد، گناه روی گناه می‌آید و کم‌کم سیاهی همه قلب او را فرا می‌گیرد و با قلب سیاه و گناه بسیار می‌میرد، و خداوند درباره آنان می‌فرماید:

«بَلْ رانَ عَلی قُلُوبِهِمْ ما کانُوا یَکْسِبُونَ»[۲] «تاریکی و کارهای زشتشان بر دل‌های آنان چیره گشته و پرده‌ای ایجاد نموده.»

---

۱. طه، آیه ۷۶

۲. المطففین، آیه ۱۴

پس عاقل کسی است که خود را مرده پندارد و از خدا طلب رجعت به دنیا نماید تا توبه کند و خود را اصلاح نماید و رابطه را با شیطان قطع کند، اینجاست که خدا دست او را می‌گیرد تا خود را اصلاح نماید.[۱]

۲. وابستگی‌های دنیوی

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللهُ عَزَّوَ جَلَّ بِهِ سِتٌّ حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ وَحُبُّ الطَّعَامِ وَحُبُّ النَّوْمِ وَحُبُّ الرَّاحَةِ وَحُبُّ النِّسَاءِ.[۲]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: اوّلین چیزی که به وسیله‌ی آن معصیت خدا انجام گرفت، شش صفت بود: علاقه به دنیا، علاقه به ریاست، ، علاقه به غذا، علاقه به خواب، علاقه به راحتی، علاقه به زن.

۳. پرخوری

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ وَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللهِ عَزَّوَ جَلَّ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: شکم در اثر پرخوری طغیان می‌کند. نزدیک‌ترین احوال بنده به خدا هنگامی است که شکمش خالی باشد، و بدترین حالات وقتی است که شکمش

۱. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج۱، ص: ۴۶
۲. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص: ۲۸۹

پُر باشد.

همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى أَسْرِ النَّفْسِ وَ كَسْرِ عَادَتِهَا التَّجَوُّعُ.[۱]

گرسنگی بهترین کمک برای کنترل نفس و شکستن عادت‌های او می‌باشد.

٤. پیروی از هوای نفس

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لا تَتَّبِعِ الْهَوى فَيُضِلَّکَ عَنْ سَبيلِ اللهِ.»[۲]

از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند .

٥. زیاد سخن گفتن

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابوذر فرمود: عَلَيْکَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَ عَوْنٌ لَکَ عَلَى أَمْرِ دِينِکَ.[۳]

تو را به طول سکوت سفارش می‌کنم، زیرا بدین وسیله شیطان از تو دور می‌شود. سکوت کمک خوبی است برای حفظ دین.

٦. نشناختن مسیر شیطان و تبعیت از او

خداوند متعال می‌فرماید: يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ

---

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص: ۴۹۴

۲. سوره ص، آیه ۲۶

۳. محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج۲، ص: ۵۲۶

الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.[۱]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پیِ گام‌های شیطان منهید، و هر کس پای بر جای گام‌های شیطان نهد [بداند که] او به زشت‌کاری و اعمال ناپسند وامی‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوایِ داناست.

۷. پیمان شکنی با خداوند

خداوند متعال می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلاً أُوْلَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.[۲]

کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید، و به ایشان نمی‌نگرد، و پاکشان نمی‌گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت.

۸. نداشتن واعظی از درون و دوست مشفق

قَالَ الصَّادِقُ عليه‌السلام مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ وَزَاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ

۱. النور، آیه ۲۱
۲. آل عمران، آیه ۷۷

وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ قَرِینٌ مُرْشِدٌ اسْتَمْکَنَ عَدُوُّهُ مِنْ عُنُقِهِ.[۱]

امام صادق علیه‌السلام فرمود: کسی که واعظی از قلبش، و مانعی از نفسش نداشته باشد، و دوست هدایت‌کننده برای او نباشد، دشمنش بر دوشش سوار می‌شود.

اگر انسان مؤمن، تلاش خویش را برای تهذیب نفس انجام دهد و سعی در رفع این موانع نیز داشته باشد، امید است که بتواند نفسش را تهذیب نموده و بر خودش مسلط گردد.

رفتارسازی

روایت عنوان بصری، یکی از دستورالعمل‌های بسیار مهمِّ وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام می‌باشد که در بردارنده‌ی نکاتی نغز و بدیع در تهذیب نفس بوده و جهت استفاده‌ی تمامی پیروان مکتب نورانی ائمه علیهم‌السلام صادر شده است. بسیاری از عرفا، علما و بزرگانِ اخلاق، اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته‌اند؛ از جمله مرحوم آیت الله سید میرزا علی قاضی طباطبایی رحمه‌الله به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می‌دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً می‌فرمودند: «باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته‌ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید.» و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی‌پذیرفتند.

ذیلاً بخشی از این روایت شریف را برای بهره‌مندی تمامی

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۴۰۲

مشتاقان سلوک الی الله ذکر می‌کنیم.

عنوان بصری که پیرمردی سال خورده بوده و از عمرش نود و چهار سال می‌گذشت گفت:

«به حضرت عرضه داشتم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی‌ام فرماید و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته‌ام اجابت فرماید.

حضرت فرمودند: ای اباعبدالله! علم به آموختن نیست. علم نوراست و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می‌خواهی ابتدا باید حقیقت عبودّیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای شریف. فرمودند: مرا اباعبدالله صدا بزن. گفتم: ای اباعبدالله! حقیقت عبودّیت و بندگی چیست؟ فرمودند: سه چیز است:

۱- اینکه بنده خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است، برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگان مِلکی ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است) و همه اموال را از آنِ خداوند می‌بینند و آن را در جایی قرار می‌دهد (مصرف می‌کند) که خداوند امر فرموده است.

۲- بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نمی‌کند. (مصلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می‌داند.)

۳- تمام اشتغال او در اطاعت از اوامر و نواهی خداوند محصور می‌شود.

پس اگر بنده خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است، ملکیتی برای خودش نبیند، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداوند امر فرموده است آسان می‌شود؛ و وقتی که تدبیر امورش را به مدبّرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصیبت‌های دنیا برایش آسان می‌گردد؛ و زمانی که به آنچه خداوند امر و نهی کرده است مشغول باشد، دیگر فرصتی برای خودنمایی و فخرفروشی به مردم پیدا نمی‌کند.

پس وقتی که خداوند بنده را با این سه (خصلت) گرامی بفرماید، دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود؛ و دیگر دنیا را برای زیاده‌خواهی و فخر و مباهات به مردم و برای عزّت و جاه‌طلبی و آنچه را که نزد مردم است نمی‌خواهد و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذراند.

این اولین درجه تقواست که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذینَ لا یُریدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَ لا فَساداً وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقینَ»[1] «آن سرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی‌گردند، قرار دادیم و سرانجامِ نیک، برای مردم با تقوا است.»

عرض کردم: ای اباعبدالله! به من توصیه‌ای بفرمایید، فرمودند: تو را به نُه چیز وصیت می‌کنم که آن‌ها توصیه‌ی

۱. القصص، آیه ۸۳

من به همه آرزومندان سیر و سلوک الی الله است. از خداوند موفقیت تو را در عمل به آن‌ها خواستارم.

سه مورد آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردباری و صبر است و سه امر دیگر در علم و دانش است. پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبادا در عمل به آنها سستی کنی. عنوان بصری می‌گوید: من قلبم را (برای فراگیری علم حضرت) آماده کردم.

حضرت فرمودند: اما آنچه در ریاضت نفس است: ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری، چون موجب حماقت و نادانی می‌شود. ۲- و تا گرسنه نشدی چیزی نخور. ۳- زمانی که غذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا ﷺ را به یاد داشته باش که فرمودند: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پُر نکرده است. پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یک سوم شکمش را برای طعام، و یک سوم را برای آب و یک سوم را برای تنفس قرار دهد.

اما آن سه موردی که در حلم و بردباری است:

۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی. به او بگو: اگر ده تا بگویی یک سخن هم نمی‌شنوی. (عفت کلام داشته باش و از نزاع بپرهیز) ۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو: اگر راست می‌گویی از خداوند می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را ببخشد. ۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد، تو او را به خیرخواهی

(نصحیت) و مراعاتش وعده بده.

و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است:

۱- آنچه را که نمی‌دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سئوال کنی. ۲- مبادا بر اساس خودرأیی، دست به کاری بزنی که علم نداری و در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن. ۳- همان‌گونه که از شیر درنده فرار می‌کنی، از فتوا دادن (فتوای بدون علم) بپرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن.

ای اباعبدالله! برخیز و برو که من برای تو خیرخواهی کردم و ذکر من را خراب نکن، چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام بر کسی که از هدایت پیروی می‌کند.»[۱]

پرورش احساس

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) درباره خودسازی می فرمایند:

«هر دعوتی که انسان را به لجام گسیختگی در لذّات بکشاند، دعوت به آتش و دعوت به بدبختی و هلاکت است. به طور کلّی، دعوت انبیا، دعوت حکما، دعوت‌های الهی، در جهت کفّ نفس از این لذایذ است، که روزه هم از این قبیل است. به همین خاطر است که در روایات ما، ماه رمضان یک صحنه‌ی مناسب شمرده شده است؛ برای این‌که انسان در این ماه تمرین کند و

۱. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، النص، ص: ۳۲۵

مجموعه‌ی گناهان را ترک گوید. یک روایت از امام صادق علیه‌السلام است که خطاب به «محمّد بن مسلم» می‌فرماید: «**یا محمّد! اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک و لسانک و لحمک و دمک و جلدک و شعرک و بشرک**».[1] امام صادق علیه‌السلام به این یار و شاگرد نزدیک خودشان می‌فرمایند که وقتی روزه می‌گیری، باید شنوایی تو روزه‌گیر باشد، بینایی تو روزه بگیرد، زبان تو روزه بگیرد، گوشت و خون و پوست و موی و بشره‌ی تو روزه‌دار باشد؛ دروغ نگویی، انسان‌های مؤمن را دچار بلا نکنی، دل‌های ساده را اغوا نکنی، برای برادران مسلمان و جامعه‌ی اسلامی توطئه درست نکنی، بدخواهی نکنی، بددلی نکنی، تهمت نزنی، کم‌فروشی نکنی، امانت‌داری کنی. انسانی که در ماه رمضان با کفِّ نفس خود، از خوردن و آشامیدن و مشتهیّات نفسانی و جنسی روزه می‌گیرد، باید زبان خود، چشم خود، گوش خود، و همه‌ی اعضا و جوارح خود را روزه‌دار بداند و خود را در محضر خدای متعال و دوری گزیده از گناهان بینگارد. دنباله‌ی روایت می‌فرماید: «**و لا یکون یوم صومک کیوم فطرک**»؛[2] روز روزه‌ی تو، مثل روز فطر تو نباشد؛ مثل روزهای عادّی نباشد. روز ماه رمضان هم همان‌گونه رفتار کنی که در روزهای عادّی رفتار کردی. باید به تربیت نفس توجّه کنی و این فرصت را مغتنم بشماری.

---

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)، ج۲، ص: ۳۵۰

۲. همان

در یک روایتی دیگر می‌فرماید: «صوم النّفس امساک الحواس الخمس عن سائر المأثم».[۱] از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که روزه‌ی نفس، غیر از روزه‌ی جسم و روزه‌ی شکم است. روزه‌ی نفس انسان این است که همه‌ی حواس پنجگانه‌ی او از گناهان امساک کنند. «و خلوّ القلب من جمیع اسباب الشّر»؛[۲] دل از همه‌ی موجبات و اسباب شرّ و فساد خالی شود. با خدای متعال و با بندگان خدا، دل را صاف و بی‌غلّ و غش کنیم. در این جهت، روایات زیادی هست.[۳]

روضه

امشب شب شهادت شخصیتی است که خودسازی و تهذیب نفس را در حد اعلای آن انجام داد، تا امام المتقین شد. آقایی که صراط مستقیم است[۴] و پدر امت پیامبر است،[۵] حال در بستر شهادت افتاده.

شیخ مفید و شیخ طوسی به سند معتبر روایت کرده‌اند که اصبغ بن نباته گفت: چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام را ضربت زدند و به خانه بردند، من و حارث همدانی و سوید بن غفله با گروهی از اصحاب آن حضرت، جلوی درِ خانه ایشان جمع شدیم،

---

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص: ۳۰۵

۲. همان

۳. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۷۶/۱۰/۱۲

۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص: ۲۸

۵. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، النص، ص: ۳۳۲

چون صدای گریه از داخل خانه ی آن حضرت بلند شد، ما همه گریستیم. پس امام حسن علیه‌السلام از خانه بیرون آمد و گفت:

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌گوید که به خانه‌های خود برگردید، آن جماعت رفتند. من جلویِ خانه آن حضرت ماندم. باردیگر صدای شیون از خانه آن حضرت شنیدم و من نیز گریستم، باز حضرت امام حسن علیه‌السلام بیرون آمد و فرمود: نگفتم که به خانه‌های خود برگردید؟ گفتم: به خدا سوگند یابن رسول الله که جانم یاری نمی‌کند و پایم قوّت رفتن ندارد، و تا علی علیه‌السلام را نبینم به جائی نمی‌توانم رفت. سپس بسیار گریستم.

پس ایشان داخل شده و بعد از اندک زمانی بیرون آمد و مرا به اندرون خانه طلبید. چون داخل شدم دیدم علی علیه‌السلام را بر بالش‌ها تکیه داده‌اند و دستمال زردی بر سر مبارکش بسته‌اند، و روی مبارکش از شدت خونی که از سرش رفته است، چنان زرد شده که ندانستم دستمالش زردتر بود یا رنگ مبارکش.[۱]

تقوا و عدالت علی علیه‌السلام آن‌قدر زیاد است که به امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

ابن ملجم را حبس کنید و او را طعام و آب بدهید و او را نیکو رعایت کنید. اگر من زنده بمانم، اگر خواهم قصاص خواهم کرد و اگر خواهم عفو خواهم نمود، و اگر از دنیا بروم اختیار با شماست، و اگر عزم کشتن او نمائید بیش از یک ضربت به او

۱. محمدباقر مجلسی، جلاء العیون، ص:۳۲۶

نزنید، و گوش و بینی و اعضاء او را مبرید.[۱]

سال‌ها با چاه همدم بوده‌ام
همنشین رنج و ماتم بوده‌ام
سال‌ها در پیچ و تاب زندگی
همدم دیرینه‌ی غم بوده‌ام
آسمانی‌ها شهادت می‌دهند
روی دینم قرص و محکم بوده‌ام
من پس از هجده بهار از چشم یاس
شاهد باران نم نم بوده‌ام
بارها با چاه هم گفتم که من
داغدار قامتی خم بوده‌ام
داغ زهرا بود من را پیر کرد
غصّه‌اش من را ز دنیا سیر کرد

۱. محمد باقر مجلسی، جلاء العیون، ص:۳۲۵

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۲
شب رحمت و مغفرت

انگیزه‌سازی

حمران از امام باقر علیه‌السلام درباره معنی قول خدای (عزّو جلّ): «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ»[۱] سؤال کرد. امام فرمود: آن شب مبارک، شب قدر است، و آن هر سال در ماه رمضان در ده شب اواخر آن ماه است، و قرآن جز در شب قدر نازل نشده است، خدای (عزّو جلّ) در این باره فرموده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ».[۲]

حضرت فرمود: در شب قدر هر چیزی از خیر یا شرّ، یا طاعت یا معصیت، یا مولود یا اجل یا رزق که در آن سال تا سال آینده و

۱. الدخان، آیه ۳
۲. الدخان، آیه ۴

شب قدر بعد تحقّق می‌یابد مقدّر می‌شود، پس هر چیز که در آن شب تقدیر شود و به امضای قضا برسد، آن چیز امری حتمی و تخلّف ناپذیر است، و خدای (عزّ و جلّ) را درباره آن مشیّتی است.

راوی گفت: گفتم معنی این بیان الهی که فرمود: «شب قدر از هزار ماه بهتر است»[۱] چیست؟ فرمود: این آیه ناظر به عمل صالح در شب قدر است؛ و اگر نه آن بود که خدای (تبارک و تعالی) حسنات را برای مؤمنین مضاعف می‌ساخت، ایشان به کمال فضیلت و ثواب نمی‌رسیدند ولی خدای (عزّ وجلّ) حسنات را برای ایشان مضاعف می‌سازد.[۲]

همچنین درباره شب قدر از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

شیوه‌ی علی علیه‌السلام آن بود که بسیار می‌فرمود: روزی دو تن از اصحاب،[۳] خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حاضر بودند و آن حضرت سوره «انا انزلناه» را با خشوع و گریه تلاوت می‌کرد تا اینکه آن دو گفتند: برای این سوره چه سخت دلت نازک است؟ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: برای آن چیزی است که به چشم خود دیده و به دل خود فهمیده‌ام و برای آن چیزیست که دل این مرد (اشاره به علی علیه‌السلام) بعد از من دریافت خواهد کرد.

آن دو می‌گفتند: شما چه دیدید و او چه خواهد دید؟ پیامبر

---

۱. القدر، آیه ۳

۲. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص: ۱۵۸

۳. خلیفه اول و دوم

روی خاک برای آن‌ها نقش می‌کرد «تَنَزَّلُ الْمَلائِکَةُ وَالرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ»[۱]

سپس پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرمود: پس از فرموده خدای (عزوجل): «هرامری» آیا چیزی برجا می‌ماند؟ آن دو می‌گفتند: نه، پیامبر می‌فرمود: آیا می‌دانید برچه کسی «هرامری» را نازل می‌کنند؟ می‌گفتند: یارسول الله برشما، می‌فرمود: آری درست است. سپس می‌فرمود: ولی آیا شب قدر، بعد از من نیز هست؟ آن دو می‌گفتند: آری، رسول خدا ﷺ می‌فرمود: آیا این امر در آن شب نازل می‌شود؟ می‌گفتند: آری، می‌فرمود: برچه کسی؟ می‌گفتند: ما نمی‌دانیم.

سپس پیامبر سر مرا در آغوش گرفته و می‌فرمود: اگر نمی‌دانید، بدانید: آن کس، بعد از من، این مرد است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: به راستی که آن دو نفر بعد از رسول خدا ﷺ این شب را از روی شدت هراسی که در آن شب به دلشان می‌افتاد، می‌شناختند.[۲]

اقناع اندیشه

یکی از موقعیت‌هایی که خداوند متعال برای توبه و بازگشت بندگانش قرارداده، شب قدر است. خداوند در شب قدر، غفران خویش را نصیب بندگانش می‌نماید و این غفران به قدری

۱. القدر، آیه ۴

۲. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۱، ص: ۲۴۹

گسترده است که اگر شامل کسی نشود، به معنای خارج شدن از دایره وسیع رحمت خداوند است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ أَدْرَکَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ یُغْفَرْلَهُ فَأَبْعَدَهُ اللهُ.[۱]

کسی که شب قدر را درک کند، ولی بخشیده نشود [و مورد رحمت بی‌پایان الهی واقع نشود] پس خدا او را [از رحمت خویش] دور ساخته.

اما برای اینکه بفهمیم، چرا غفران و مغفرت این قدر اهمیت داشته و مشمول غفران خداوند شدن چه اثری در شب قدر دارد، می‌باید ابتدا معنای غفران را متوجه شویم.

غفران در لغت به معنای پوشاندن و پنهان کردن[۲] و در اصطلاح به معنای پوشاندن خطای شخصیست که تحت قدرت فردی قادر قرار گرفته، آنهم به توسط این فردِ قادر.[۳]

یکی از دعاهای بندگان خدا در اوقات دعا به خصوص در شب قدر این است که شخص، مورد مغفرت خداوند قرار بگیرد چرا که در شب قدر تمام برنامه های سال آینده انسان ها رقم خورده و تقدیر آن ها قطعی می‌گردد؛ چنانچه امام رضا علیه السلام فرمود:

لَیْلَةُ الْقَدْرِ یُقَدِّرُ اللهُ (عَزَّوَجَلَّ) فِیهَا مَا یَکُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَی السَّنَةِ

۱. محمد بن علی بن بابویه، فضائل الأشهر الثلاثة، ص: ۵۴

۲. أحمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۴۴۹

۳. سید علیخان بن احمد کبیر مدنی، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۲، ص: ۴۰۳

مِنْ حَیَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَیْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قَدَّرَهُ مِنْ تِلْکَ اللَّیْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتُومِ.[۱]

خدای (عزوجل) آنچه را که از اول سال تا آخر سال می باشد از زندگی یا مردن یا خوبی یا بدی یا روزی، در شب قدر تقدیر می‌کند، پس آنچه خدا در آن شب مقدور کرده باشد از امور حتمی است که آن را محکم و واجب نموده و به آن حکم فرموده است.

لذا اگر فرد بخواهد تأثیر طبیعیِ خطاهای گذشته‌ی او در سال آینده گریبانش را نگیرد، چاره‌ای جز جلب مغفرت خداوند متعال ندارد، تا در سال آینده خداوند گناهان و خطاهای سال گذشته‌اش را تأثیر نداده و سالی همراه با تکامل و رشد را در پیش رویش قرار دهد، نه همراه با سقوط؛ و این خداوند است که می‌تواند چنین کاری را انجام دهد، چنانکه در روایت آمده است:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ إِذَا کَانَتْ لَیْلَةُ الْقَدْرِ نَزَلَتِ الْمَلَائِکَةُ وَ الرُّوحُ وَ الْکَتَبَةُ إِلَی سَمَاءِ الدُّنْیَا فَیَکْتُبُونَ مَا یَکُونُ مِنْ قَضَاءِ اللهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِی تِلْکَ السَّنَةِ فَإِذَا أَرَادَ اللهُ أَنْ یُقَدِّمَ أَوْ یُؤَخِّرَ أَوْ یَنْقُصَ شَیْئاً أَوْ یَزِیدَهُ أَمَرَ اللهُ أَنْ یَمْحُوَ مَا یَشَاءُ ثُمَّ أَثْبَتَ الَّذِی أَرَادَ.[۲]

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: زمانی که شب قدر شود، ملائکه و روح و فرشتگان کاتب به آسمان دنیا می‌آیند و قضاء خداوند (تبارک و تعالی) در آن سال را می‌نویسند؛ پس زمانی که خداوند

---

۱. محمد بن علی بن بابویه، التوحید، ص: ۴۴۴

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج۱، ص: ۳۶۶

متعال اراده کرد تا چیزی را مقدم یا مؤخر کند یا چیزی را کم یا زیاد نماید، امر به محو هر چه که بخواهد نموده و سپس امر به ثبت هر چه که بخواهد می‌نماید.

البته اعمال نیز در شب قدر ارزش مضاعف پیدا می‌کنند، چنانکه نقل شده است:

از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟

حضرت فرمودند: کار نیک در آن شب از کار در هزار ماه که در آن ماه‌ها شب قدر نباشد بهتر است.[۱]

فلذا مؤمنین در این شب عزیز، هم از خداوند طلب مغفرت نموده و هم به عبادت و انجام اعمال خیر همت می‌گمارند، چرا که عبادت در این شب هم باعث آینده‌ای بهتر می‌گردد و هم رشد و تکامل فعلی شخص را ارتقاء می‌دهد؛ فلذا همت برای شب‌زنده‌داری در این شب‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که زندگی مادی و معنویِ یک سالِ ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

البته نکته‌ی قابل توجه آن است که فرد باید تلاش خود را برای احیاء نگه‌داشتن هر سه شب قدر انجام دهد، چرا که در روایت وارد شده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَةَ عَشَرَ وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۵۸

إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ الْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.[۱]

امام صادق علیه‌السلام فرمود: برآورد اعمال در شب نوزدهم انجام می‌گیرد و تصویب آن در شب بیست و یکم و تنفیذ آن در شب بیست و سوم.

لذا انسان مؤمنی که قلبش با حدود بیست روز روزه‌داری و دوری از شهوات، تصفیه گردیده است، در این شب با معنویتی که از ماه رجب تا شب‌های قدر کسب نموده، به درگاه خداوند متعال می‌رود و هر آنچه که از قاضی الحاجات بخواهد می‌گیرد.

رفتارسازی

حضرت موسی علیه‌السلام فرمود: خداوندا! می‌خواهم به تو نزدیک شوم، خداوند فرمود: قرب من از آنِ کسی است که شب قدر بیدار شود.

حضرت موسی علیه‌السلام عرضه داشت: خداوندا! رحمتت را می‌خواهم، خداوند فرمود: رحمتم از آنِ کسی است که در شب قدر به مسکینان رحم کند.

گفت: خداوندا! جواز گذشتن از صراط را از تو می‌خواهم. خداوند فرمود: آن، از آنِ کسی است که در شب قدر صدقه‌ای بدهد.

گفت: خداوندا! از درختان بهشت و از میوه‌هایش خواهم. فرمود: آن‌ها از آنِ کسی است که در شب قدر تسبیحش را انجام دهد.

حضرت موسی علیه‌السلام فرمود: خداوندا! رهایی از جهنم را

۱. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج۱۰، ص: ۳۵۴

می‌خواهم، خداوند فرمود: آن، از آنِ کسی است که در شب قدر استغفار کند.

حضرت موسی علیه‌السلام گفت: خداوندا خشنودی تو را می‌خواهم، خداوند فرمود: خشنودی من از آنِ کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بگذارد.[۱]

آری! شب قدر دارای این همه برکات و خیرات است، اما این مسئله نیز فراموش نشود که انسان‌ها بر طبق تلاش و معرفتشان می‌توانند از این ایام بهره ببرند. در همین زمینه از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که ایشان فرموده است:

هر کس شب بیست و سوم رمضان را شب زنده‌داری کند و صد رکعت نماز در آن بگذارد، خداوند روزیِ او را در دنیا فراخ می‌فرماید و شرّ کسانی را که با او ستیزه کنند از او کفایت می‌فرماید و او را از سوختن در دنیا و زیر آوار ماندن و شر دزدان و جانوران درنده محفوظ می‌دارد و بیم نکیر و منکر را از او برطرف می‌فرماید و هنگامی که از گور خود بیرون آید، پرتو چهره‌اش برای همه مردم محشر درخشان است و نامه عملش به دست راست او داده می‌شود و برای او آزادی از دوزخ و عبور از پل صراط و امان از عذاب مقرر می‌شود و بدون حساب وارد بهشت می‌شود و در آن از همنشینان پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران خواهد بود که چه نیکو رفیقانی هستند.[۲]

---

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج۱، ص: ۱۸۶

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)، ج۲، ص: ۳۴۹

پرورش احساس

تا به حال برخی سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام در مورد شب قدر را مرور نمودیم. در اینجا مناسب است که سخنان مقام معظم رهبری را به عنوان فقیه زمان‌شناس و نائب حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف درباره شب قدر ذکر نماییم:

«امروز (بیست ویکم ماه رمضان) بنابر احتمال فراوان، هم روز قدر است، هم روز شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. دیشب یکی از سه شب ممتاز در دوران سال بود؛ شب‌هایی که محتمل است شب قدر باشند. تنزل ملائکه ی الهی و تنزل روح در مثل دیشب یا یکی از دو شب دیگر اتفاق افتاده است یا می‌افتد. خوشا به حال کسانی که با فرود فرشتگان الهی توانستند روح خود را فرشته‌گون کنند. حضور ملائکه ی الهی در روی زمین و در میان ما مردم که فرمود: «تنزّل الملائکة والرّوح فیها باذن ربّهم من کلّ امر»[1] باید بتواند ما را به نزدیک شدنِ به خلق و خوی فرشته‌گون کمک کند. یقیناً در میان بندگان خدا کسانی بوده‌اند که دیشب را شب خوبی گذرانده‌اند و چشم حقیقت‌بین و روحِ حقیقت‌یاب آن‌ها حقایق شب قدر را ادراک کرده است. شاید کسانی فرشته‌ها را به چشم دیده باشند. شما مردم عزیز هم در همه جا شب نوزدهم و شب بیست ویکم و ان شاءالله شب بیست وسوم را ساعات خوبی گذراندید و می‌گذرانید. می‌بینیم که مردم ما، جوان‌های ما، زن و مرد ما با این شب‌ها حقیقتاً

۱. القدر، آیه ۴

قصد پالایش خود را دارند؛ دل‌ها نرم می‌شود، چشم‌ها اشکبار می‌شود، روح‌ها لطیف می‌شود؛ روزه هم کمک کرده است. ما باید امیدوار باشیم، دعا کنیم و بکوشیم از این شب‌ها برای عروج معنوی خود استفاده کنیم؛ چون نماز معراج و وسیله‌ی عروج مؤمن است. دعا هم معراج مؤمن است، شب قدر هم معراج مؤمن است. کاری کنیم عروج کنیم و از مزبله‌ی مادی که بسیاری از انسان‌ها در سراسر دنیا اسیر و دچار آن هستند، هرچه می‌توانیم، خود را دور کنیم. دلبستگی‌ها، بدخلقی‌ها، خلقیات غیرانسانی، ضدانسانی، روحیات تجاوزگرانه، افزون خواهانه و فساد و فحشا و ظلم، مزبله‌های روح انسانی است. این شب‌ها باید بتواند ما را هرچه بیشتر از این‌ها دور و جدا کند.»[۱]

روضه

این شب‌ها مؤمنین داغدارند، زیرا نه تنها امیر و مولای خویش را از دست داده‌اند، بلکه بالاتر از آن، پدری مهربان را از دست داده‌اند، چنانکه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»[۲] «من و علی پدران این امت هستیم.» و این علی علیه‌السلام است که همچون پدری مهربان، غمخوار امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شده و در سختی‌ها پناه مسلمین است. و این علی علیه‌السلام است که

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه مورخ ۸۳/۸/۱۵

۲. امام حسن عسکری علیه‌السلام، التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه‌السلام، ص: ۳۳۰

پیامبر ﷺ برای او می‌گرید و علت گریه خویش را می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ أَبْكِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَ أَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَ قَدِ انْبَعَثَ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقَةِ ثَمُودَ فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ.[1]

ای علی! برای آنچه در این ماه از تو حلال شمارند گریه می‌کنم. گویا تو را می‌نگرم که نماز برای پروردگارت می‌خوانی و شقی‌ترین از اولین و آخرین که مانند پی کننده شتر ثمود است، برانگیخته شود و ضربتی بر فرقت زند و محاسنت را خضاب کند.

و علی علیه‌السلام را پس از ضربت خوردن به خانه آوردند. خانه‌ای که همیشه یاور اهل آن بوده و دلسوز و غمخوار دنیا و آخرت ایشان است؛ و این مظلوم عالم است که همچنان غمخوار فرزندان خویش است و تاب دیدن اشک فرزندان خویش را ندارد چنانچه در تاریخ این‌طور ثبت شده:

محمّد بن حنفیّه می‌گوید امیر المؤمنین علیه‌السلام فرمود: مرا بردارید و به خانه ببرید، پس حضرت را در نهایت ضعف برداشتیم و به خانه بردیم و مردم بردور آن حضرت گریه و زاری می‌کردند تا حدی که نزدیک بود خود را هلاک کنند. پس امام حسن علیه‌السلام در عین گریه و زاری و ناله و بی‌قراری با پدر بزرگوار خود گفت: ای پدر! بعد از تو برای ما که خواهد بود؟ مصیبت تو بر ما امروز مثل مصیبت رسول خدا ﷺ است. گویا گریه را از

۱. محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، النص، ص: ۹۳

برای مصیبت تو آموخته‌ایم.

پس امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن حضرت را به نزدیک خود طلبید. چون نظر کرد دیده‌های آن امام مظلوم را، دید که از شدتِ گریه مجروح گردیده است. به دست مبارک خود اشک از دیده‌هایِ نور دیده‌ی خود پاک کرد و دست بر سینه مبارکش گذاشت گفت: ای فرزند! خداوند عالمیان دل تو را به صبر ساکن گرداند. مزد تو و برادران تو را در مصیبت من عظیم گرداند و اضطراب تو را و جریان آبِ دیده تو را ساکن سازد. به درستی که حق تعالی تو را اجر داد به قدر مصیبت تو.

پس آن حضرت را داخل حجره گردانیدند و در نزدیک محراب خوابانیدند. زینب و امّ کلثوم علیهماالسلام آمدند در پیش علی علیه‌السلام نشستند. نوحه و زاری برای آن حضرت می‌کردند و می‌گفتند که: بعد از تو کودکان اهل بیتِ تو را که تربیت خواهد کرد؟ بزرگان ایشان را که محافظت خواهد نمود؟ ای پدر بزرگوار، اندوه ما بر تو دور و دراز است و آب دیده‌ی ما هرگز ساکن نخواهد گردید. پس صدای مردم از بیرون حجره بلند شد به ناله و آب از دیده‌های مبارک علی علیه‌السلام جاری شد. نظر حسرت به سوی فرزندان خود افکند. حسن و حسین علیهماالسلام را نزدیک خود طلبید و ایشان را در بر کشید و روی‌های ایشان را می‌بوسید.[۱]

زینب کنار لاله‌ی پرپر صبور باش
در داغ بال‌های کبوتر صبور باش

۱. محمدباقر مجلسی، جلاء العیون، ص: ۳۴۶

من می‌روم شبانه، غریبانه دخترم
بر سوز این غریبی حیدر صبور باش
اینجا هنوز اوّل راه است دخترم
زینب کنار تشت برادر صبور باش

دفتر مطالعات پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۳
دشمن‌شناسی

انگیزه‌سازی

در بسیاری از آیات قرآن کریم، خداوند متعال دشمنان مؤمنین را معرفی کرده و انسان‌های مؤمن را از آنها بر حذر داشته است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم اولین ضربه‌ای که به انسان وارد شد، همانا بیرون رانده شدن از بهشت بود که در اثر ضعف دشمن‌شناسی در حضرت آدم علیه‌السلام و باورِ فریب‌ها و قسم‌های شیطان، این دشمنِ قسم خورده بود.

قرآن کریم، برای تأکید بر اهمیتِ این داستان، در چند مورد به آن اشاره کرده است. به عنوان نمونه، در سوره مبارکه اعراف پس از نقل ماجرای خلقت آدم و دستور سجده بر ایشان و عدم

اطاعت شیطان از این دستور و رانده شدن از درگاه خداوند، آمده است:

«قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ... إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ»[۱]

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم! * سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپِ آنها، به سراغشان می‌روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!»

(خداوند) فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می‌کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پُر می‌کنم! * و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! امّا به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!»

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» * و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قرار دادن برگ های (درختان) بهشتی بر خود،

۱. سوره اعراف، آیات ۱۶ تا ۲۲

تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

بنابراین از نگاه قرآن و آموزه‌های معصومین علیهم‌السلام، یکی از مهمترین و ضروری‌ترین آگاهی‌های مورد نیاز برای جامعه‌ی اسلامی، شناخت دقیق و درست از دشمنانِ دین و دنیا می‌باشد تا از ناحیه‌ی دشمنان، بیش از این دچار آسیب‌های جدی نگردیم.

برای رسیدن به این هدف، لازم است تا دشمنانِ معرفی شده در آیات و احادیث را بهتر شناخته و شیوه‌های دشمنی از ناحیه‌ی آنها و همچنین شیوه‌های مقابله با آنان را دریابیم. اما به علت محدود بودن مجال سخن، صحبت از شیطان و نفس را که دشمنانی غیبی هستند به بعد موکول کرده و تنها بر روی کفار و منافقین تمرکز می‌نماییم.

مقام معظم رهبری نیز در تذکر نسبت به لزوم هوشیاری دائم در برابر دشمن و وظیفه‌ی دشمن‌شناسی برای همه‌ی مردم می‌فرمایند:

«ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر

لباسی که هست، شناسایی کند.»[۱]

اقناع اندیشه

در قرآن کریم به سه دسته از دشمنانِ اصلی اشاره شده که در ادامه آنها را نام خواهیم برد.

۱. کفار و مشرکین:

در قرآن کریم، از کفار به عنوان دشمنان آشکار مسلمانان یاد شده است. «إِنَّ الْكافِرِينَ كانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبيناً[۲]؛ همانا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند.»

کفار و مشرکین، دائماً سد راه پیامبران الهی بوده و با ابراز تردید درمورد سخنان انبیاء، مردم را از پیروی آنان بازمی‌داشته‌اند. برخی ویژگی‌های ذکرشده برای کفار، به این شرح است:

الف) تکذیب معجزات و نشانه‌های الهی: «وَالَّذِينَ كَفَرُواْ وَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا[۳]؛ کسانی که کفرورزیده و نشانه‌های ما را تکذیب نمودند»

ب) افراد با ایمان را مسخره می‌کنند: «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا[۴]؛ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده و آنها بعضی از مؤمنین را مسخره می‌کنند.»

ج) برای ایجاد حکومتی طاغوتی مبارزه می‌کنند: «وَالَّذِينَ

۱. بیانات به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۱

۳. سوره بقره، آیه ۳۹

۴. سوره بقره، آیه ۲۱۲

كَفَرُواْ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ[۱]؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت پیکار می‌کنند.»

د) افرادی بی‌منطق و هوچی‌گر هستند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسْمَعُواْ لِهَذَا الْقُرْءَانِ وَالْغَوْاْ فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ[۲]؛ و کافران گفتند: به این قرآن گوش فرادهید و به هنگام تلاوتِ آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!»

۲. منافقین:

از مضرترین دشمنان جامعه‌ی اسلامی، گروه منافقان بوده‌اند که همواره با کارشکنی‌های خویش، در صفوف مؤمنین ایجاد اختلاف نموده و از به ثمر رسیدن تلاش‌های انبیاء و معصومین جلوگیری می‌نموده‌اند. قرآن کریم در بیان دشمنیِ آنان می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْاْ قَوْماً غَضِبَ اللهُ عَلَيهِمْ مَّا هُم مِّنكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ * .... إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ أُوْلَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ.»[۳]

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می‌کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می‌دانند (دروغ می‌گویند)! * ... کسانی که با خدا و رسولش

۱. سوره نساء، آیه ۷۶
۲. سوره فصلت، آیه ۲۶
۳. سوره مجادله، آیات ۱۴ و ۲۰

دشمنی می‌کنند، آنها در زُمره ذلیل‌ترین افرادند.

به فرموده‌ی خداوند متعال، قلب منافقین دچار مرض شده و حق را درک نمی‌کند؛ خداوند نیز بخاطر نفاقشان بر این مریضی می‌افزاید.[۱] ازدیگرویژگی‌های ذکرشده برای منافقین، می‌توان این موارد را ذکر نمود:

الف) اهل خدعه بوده و در انجام عبادات، سستی و ریا می‌نمایند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُواْ إِلَى الصَّلَوةِ قَامُواْ كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاس[۲]؛ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند.»

ب) اهل ارتباط با دشمنان اسلام و مرعوب شدن از آنها می‌باشند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ[۳]؛ کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در (دوستی با دشمنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)»

ج) امر به منکر و نهی از معروف کرده و در راه خدا انفاق نمی‌کنند: «الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۰

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۲

۳. سوره مائده، آیه ۵۲

بِالْمُنكَرِ وَ يَنهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ[۱]؛ مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند و دست‌هایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند.»

نکته قابل توجه آن است که نفاق، صفتی مذموم می‌باشد که در اثر تردید در کلام خدا و رسول ایجاد شده و به مانند آفتی ویرانگر، تمام ایمان فرد را زائل می‌کند. رگه هایی از این صفت در بسیاری از قلوب مؤمنین وجود دارد و باید با رعایت تقوا و ارتباط دائم با خداوند از طریق عبادات و دعا و قرائت قرآن، آن را در خود ریشه‌کن نماییم تا مبادا به مرحله‌ای برسیم که خداوند بر قلب ما مُهر زده[۲] و ما را نسبت به حقایق، کَر و کور کند.[۳]

همچنین باید با دقت در رفتار و گفتار مسئولین و اطرافیان خود، مراقب باشیم تا مبادا رگه هایی از بی‌اعتمادی به وعده‌ها و کلام خداوند، یا تمایل و اعتماد به دشمنان، در میان مردم مسلمان رواج یابد و از این طریق شرایط را برای حضور منافقین در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، فراهم کرده و رهبر انقلاب را عملاً تنها بگذاریم، زیرا اگر خدای ناکرده چنین اتفاقی بیفتد، طولی نخواهد کشید که نعمتِ

---

۱. سوره توبه، آیه ۶۷

۲. خَتَمَ اللهُ عَلی قُلُوبِهِم (سوره بقره، آیه ۷)

۳. صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لا يَرْجِعُونَ (سوره بقره، آیه ۱۸)

حکومت الهی و امنیت و استقلال از ما گرفته شده و در زیر چکمه‌های دشمنان به خودآمده و متوجه خطایمان خواهیم شد.[۱]

۳. یهود:

خداوند متعال، یهودیان را در کنار مشرکین به عنوان کسانی معرفی می‌کند که بیشترین دشمنی با مؤمنان را در دل می‌پرورانند.

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذينَ أَشْرَكُوا[۲]؛ بطور مسلّم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت.»

البته واضح است که در اینجا مقصود از یهود، آن عده از یهودیان که اهل پرستشِ حقیقی خداوند و تبعیت از دستورات او هستند نمی‌باشد، بلکه اکثریت یهود را در آن زمان و حتی زمان حاضر مورد اشاره قرار می‌دهد که به دلیل علاقه وافر به دنیا و مظاهر ثروت و قدرت، از راه حق فاصله‌ی بسیار گرفته و به دشمنی شدید با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امت اسلامی همت گمارده‌اند. از جمله‌ویژگی‌های این گروه که در قرآن به آن اشاره شده، می‌توان موارد زیر را نام برد:

---

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوَطْأَةِ عَدُوِّهِ؛ هر کس به هنگام یاری رهبرش خواب باشد، زیر لگد دشمنش بیدار خواهد شد.» (غررالحکم، ص۴۲۲، حکمت ۹۶۸۱)

۲. سوره مائده، آیه ۸۲

الف) اهل سد کردن راه خداوند هستند: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللهِ كَثِيراً[۱]؛ بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیریِ بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم.»

ب) برای خداوند در این دنیا قدرتی قائل نبوده و سعی در جنگ افروزی و فساد دارند: «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللهِ مَغْلُولَةٌ ... كُلَّمَا أَوْقَدُواْ نَاراً لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً وَ اللهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ[۲]؛ و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» ...هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت و برای فساد در زمین، تلاش می‌کنند و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.»

ج) تکذیب کننده و قاتل انبیاء هستند: «كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُواْ وَ فَرِيقاً يَقْتُلُونَ[۳]؛ هر زمان پیامبری، حکمی بر خلاف هوس‌ها و دلخواه آنها (بنی اسرائیل) می‌آورد، عده‌ای را تکذیب کرده و عده‌ای را می‌کشتند.»

پس از آشنایی با این دسته از دشمنان، لازم است تا با شیوه‌های دشمنی و آسیب رساندن به مؤمنین از طرف آنها اشاره کنیم.

---

۱. سوره نساء، آیه ۱۶۰
۲. سوره مائده، آیه ۶۴
۳. سوره مائده، آیه ۷۰

۱. ایجاد اختلاف و دودستگی در میان مؤمنان:

از جمله ابزارهای بسیار قدیمی در دست دشمنان خدا، استفاده از حربه‌ی اختلاف در میان عموم مردم بوده است. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَها شِيَعاً[۱]؛ همانا فرعون در زمین (مصر) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند.»

این سیاست در دوران معاصر نیز توسط دولت‌های استعمارگر و خصوصاً دولت خبیث انگلیس در دنیای اسلام و کشور ما اجرا شده و حکومت ایران را تا قبل از انقلاب اسلامی، عملاً به بازیچه‌ای در دستان کفار تبدیل کرده بود. رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای نیز دائماً نسبت به این مطلب هشدار داده و سران کشورهای اسلامی را به اتحاد و پرهیز از اختلافات بیهوده دعوت نموده‌اند. ایشان در جایی می‌فرمایند:

«استکبار تلاش می‌کند تک تک دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی را با چیزهای جزیی و با وعده‌ای واهی از بدنه‌ی دنیای اسلام جدا کند و وضع همین چیزی می‌شود که هم اینک در جهان اسلام وجود دارد.»[۲]

در فتنه‌ی سال ۸۸ نیز دشمن تلاش کرد تا با ایجاد اختلاف و خشونت در میان مردم، حکومت اسلامی را سرنگون کند که اگر عنایت الهی و بصیرت مردم نبود، به همین هدف نیز می‌رسید.

---

۱. سوره قصص، آیه ۴

۲. بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۰/۶/۵

امام خامنه‌ای در همین زمینه می‌فرمایند:

«البته در سال ۸۸ بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه‌ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچنینی را برای کشور تدارک دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند.»

۲. استفاده از شعارها و بهانه‌های عامه‌پسند:

در طول تاریخ، بارها شاهد آن بوده‌ایم که دشمن با استفاده از شعارهایی که در ظاهر حرف‌هایی خوب و قابل قبول بوده‌اند، عموم مؤمنین را دچار خطا و فریب کرده است. از جمله می‌توان به ماجرای جنگ صفین و استفاده از شعار «لا حُکم إلا لله» اشاره نمود. در آن ماجرا، عده‌ی زیادی از مبارزینِ در صف امیر المؤمنین علیه‌السلام، فریب این حرف را خورده و با امام زمانِ خویش به مقابله پرداختند.

در جنگ جمل نیز از بهانه‌ای عوام فریبانه استفاده شد که همان خونخواهی عثمان بود. طلحه و زبیر با استفاده از پیراهن خونین عثمان، مردم را تهییج کرده و نسبت به علی علیه‌السلام شوراندند، در حالی که به فرموده‌ی امام علی علیه‌السلام، خودِ طلحه و زبیر از سخت‌ترین تحریک کنندگان مردم بر علیه عثمان بوده و آب و غذا را بر او بسته بودند.

«وَ إِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقّاً هُمْ تَرَكُوهُ وَ دَماً هُمْ سَفَكُوهُ.»[۱]

۱. سید رضی، نهج البلاغة (للصبحی صالحی)، ص ۱۹۴

و هر آینه آنها حقی را طلب می‌کنند که خودشان زیر پا گذاشته بودند و انتقام خونی را می‌طلبند که خود آن را ریخته‌اند.

امروزه نیز، دشمنان خارجی سعی دارند تا با استفاده از شعارهایی عوام فریب، همچون حمایت از حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، ملت مسلمان ایران و انقلاب اسلامی را در چشمان جهانیان، وارونه جلوه دهند، که إن شاءالله موفق نخواهد شد.

۳. مکر و حیله و پیمان شکنی:

یکی دیگر از شگردهای پرکاربرد، فریب مسلمانان و سپس پیمان شکنی به بهانه‌های مختلف می‌باشد. نمونه‌ی این ماجرا را می‌توان در ماجرای عمرو عاص و ابوموسی اشعری یافت که پس از پیمان مخفی میان آن دو مبنی بر عزل امیرالمؤمنین و معاویه، عمرو عاص پیمان را شکسته و معاویه را به خلافت منصوب کرد.

در ماجرای صلح امام حسن علیه‌السلام نیز همین ماجرا به نحوی دیگر تکرار شده و معاویه با فریفتن اطرافیان امام، ایشان را مجبور به صلح کرد، اما هنوز مدتی طولانی نگذشته بود که صلح‌نامه با امام را پاره کرده و نقض عهد کرد.

خداوند متعال نیز در این باره می‌فرماید: «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لا يَرْقُبُوا فيكُمْ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْواهِهِمْ وَ تَأْبى قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ[1]؛ چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد) در حالی

۱. سوره توبه، آیه ۸

که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می‌کنند، ولی دل‌هایشان ابا دارد و بیشتر آنها فاسق و نابکارند.»

٤. ایجاد شبهه‌های اعتقادی:

این شیوه در زمان پیامبران نیز رواج داشته است، آنگونه که در قرآن کریم آمده:

«وَضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَنَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَهِیَ رَمِیمٌ* قُلْ یُحْییهَا الَّذی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَبِکُلِّ خَلْقٍ عَلیمٌ[۱]»

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» *بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید و او به هر مخلوقی داناست!»

در زمان معاصر نیز دشمنان اسلام تلاش زیادی در جهت ایجاد شبهات دینی و إلقاء تردید در ذهن مردم و خصوصاً جوانان انجام داده‌اند، به طوری که در رسانه‌هایی از قبیل ماهواره و اینترنت، هر روزه شاهد بحث‌هایی با محوریت تردید در اعتقادات اصیل اسلامی می‌باشیم.

٥. استفاده ابزاری از مقدسات و یا چهره‌های مقبول در جامعه:

دشمنان اسلام اگر چه هیچ اعتقادی به مقدسات اسلامی

---

۱. سوره یس، آیات ۷۸ - ۷۹

ندارند، اما هر کجا که بتوانند، با تمسک به مقدسات و چهره‌های مقبول، سعی در گمراه نمودن مردم و ایجاد تشویش و هرج و مرج دارند، همانگونه که معاویه با استفاده‌ی ابزاری از قرآن در جنگ صفین، برخی سپاهیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دچار تردید نمود، و حال آنکه معاویه هیچ علاقه‌ای به حکم قرآن نداشت.

امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای به معاویه اینچنین می‌نویسد: «ثُمَّ إِنَّکَ قَدْ دَعَوْتَنِی إِلَی حُکْمِ الْقُرْآنِ وَ لَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّکَ لَسْتَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْآنِ وَ لَسْتَ حُکْمَهُ تُرِید.»[۱]

سپس تو مرا به سوی حکم قرآن دعوت نمودی، و حال آنکه خودت می‌دانی که اهل عمل به قرآن نبوده و خواهان حکمش نمی‌باشی.

در دوران معاصر نیز مشاهده می‌کنیم که بسیاری از منافقین و حتی برخی عوامل آمریکایی و انگلیسی، در سال ۸۸ سعی نمودند تا با استفاده از نام و عنوان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در میان مردم تردید و اختلاف ایجاد نمایند، که بحمدالله خیلی زود رسوا شدند.

گرچه شیوه‌های دشمنی از جانب کفار و منافقین در این موارد محدود نمی‌گردد، اما برای رعایت اختصار، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

---

۱. نصربن مزاحم، وقعة صفین، ص ۴۹۴

رفتارسازی

در مقابل فتنه‌گری‌ها و دشمنی‌ها، مؤمنینِ بصیر و هوشیار، همواره خود را آماده نگه می‌دارند تا از ایمان و شرف و استقلال خویش دفاع نموده و با استعانت از خدای متعال، نقشه‌های دشمن را نقش بر آب نمایند. از جمله شیوه‌های اصلی برای مقابله با دشمن، می‌توان موارد زیر را برشمرد.

۱. تجهیز به قدرت ایمان:

مهمترین عاملِ دفع فتنه‌های دشمن، تقویت باورهای درونی و توکل به خداوند و صبر در برابر سختی‌ها و اعتماد به وعده‌های حق از جانب او می‌باشد. زیرا انسانی که خود را عبد خالقِ بی‌نیاز بداند، از دشمنانِ خدا بیزاری جسته و با توکل بر او، گِره‌های ایجاد شده در پیش رویش را باز می‌کند، چرا که قدرت از آنِ خداوند است و شرط پیروزی آن است که در صف مؤمنان باشیم و با استفاده از یاد خدا، صبر و استقامت، پرهیزگاری، توکل و یقین به وعده‌های الهی خود را به این منشأ قدرتِ لایزال متصل کنیم.

قرآن نیز در این باره می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُم[۱]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

۱. سوره محمد، آیه ۷

و در جای دیگری می‌فرماید: «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً[۱]؛ اگر (در برابر آنها) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های آنها به شما زیانی نمی‌رساند.»

۲. ممنوعیت دوستی با دشمنان خدا:

به فرموده‌ی قرآن کریم، دوستی و تکیه کردن بر دشمنان خدا شدیداً ممنوع می‌باشد. همچنین گره زدن سرنوشت جامعه دینی در قالب مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی با خواست و وعده‌های دشمنان نیز ممنوع است، چرا که باعث ایجاد سلطه از ناحیه‌ی کفار بر مسلمانان می‌شود.[۲] به عبارت دیگر، سطح روابط نباید در حد ائتلاف و اتحاد با آنان باشد؛ بلکه نهایتاً می‌توان پیمان ترک جنگ و عدم تعرض به منافع یکدیگر را با آنان برقرار نمود. به این ترتیب، جلوی بسیاری از فتنه‌گری‌ها و دشمنی‌های پنهان از ناحیه‌ی آنها گرفته می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِياءَ[۳]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آئین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید.»

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۰

۲. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلّطی نداده است.» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)

۳. سوره مائده، آیه ۵۷

۳. مقابله نظامی:

گرچه اسلام اهل جنگ‌طلبی نمی‌باشد، اما نسبت به واقعیات جامعه نیز چشم خود را نبسته است. در شرایطی که دشمنانِ خدا جز به نابودی کامل اسلام و مسلمانان راضی نخواهند شد[۱]، خداوند نیز در مقابل به مؤمنان دستور می‌دهد تا خود را از لحاظ نظامی تجهیز و تقویت نموده و همواره در حال آماده‌باش به سر برند.

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ[۲]؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.»

و حتی در مواردی که دشمن، با پیمان‌شکنی و تعرض به جان و مال مسلمین، عملاً با آنها وارد جنگ شد، در مبارزه و نبرد با آنها ذره‌ای تردید نکرده و با تمام قدرت در مقابلشان دفاع کنید، چرا که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ[۳]؛ و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار

---

۱. وَلَنْ تَرْضى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلاَ النَّصارى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (سوره بقره، آیه ۱۲۰)

۲. سوره انفال، آیه ۶۰

۳. سوره توبه، آیه ۱۲

دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید چرا که آنها پیمانی ندارند، شاید (با شدّت عمل) دست بردارند.»

پرورش احساس

در حکمت‌های منسوب به أمیر المؤمنین علیه‌السلام آمده است:
«کُن لِلعَدُوِّ المُکَاتِمِ أشَدَّ حِذراً مِنکَ لِلعَدُوِّ المُبَارِزِ.»[۱]
از دشمنی که در ظاهر دشمنی‌اش را مخفی می‌دارد، بیشتر بر حذر باش تا آن دشمنی که علناً با تو مبارزه می‌کند.

در سال‌های اخیر و پس از روی کار آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا، دوران جدیدی از پنهان نمودن دشمنی و استفاده از لبخندهای عوام فریبانه از سوی مسئولین دولت‌های ستمگر، خصوصاً مسئولین آمریکایی آغاز شد. مقام معظم رهبری نیز از همان ابتدا نسبت به این پیام‌های دوستی، ابراز تردید و بدبینی کرده و مردم را از این فریب و توطئه آگاهانیده بودند. ایشان در بخش‌هایی از کلامشان می‌فرمایند:

«در مقابل اظهاراتی که رئیس جمهور جدید ایالات متحده‌ی آمریکا می‌کند و می‌گوید ما دست دوستی را دراز می‌کنیم، با نگاه تیزبین مسئله را دنبال خواهیم کرد. ما نگاه می‌کنیم ببینیم آیا واقعاً دست دوستی است؟ آیا واقعاً نیت، نیت دوستانه است یا نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبگر؟ این برای ما خیلی مهم است. پارسال گفتم اگر در زیر دستکش مخملی، دست چدنی و

۱. ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۱۱

پنجه‌ی چدنی باشد، ما دستمان را دراز نمی‌کنیم؛ دوستی را قبول نمی‌کنیم. اگر با لبخندی که زده می‌شود، خنجری در پشت پنهان شده باشد، ما حواسمان جمع است. متأسفانه آنچه که اتفاق افتاد، همان چیزی بود که حدس زده می‌شد. دولت آمریکا و همین تشکیلات جدید و رئیس جمهور جدید، با همه‌ی ادعای علاقه‌مندی به روابط عادلانه و صحیح، که نامه هم نوشتند و پیغام هم دادند و در بلندگوها هم گفتند و در مجالس خصوصی هم تکرار کردند که ما میخواهیم با جمهوری اسلامی روابطمان را عادی کنیم، متأسفانه در عمل، عکس این عمل کردند.»[۱]

بنابراین لازم است تا در این مقطع حساس و تاریخی، بیش از پیش مراقب رفتار و گفتار دشمنان بوده و لحظه‌ای از آنان چشم برنداشته و ذره‌ای نسبت به آنان متمایل نشویم، بلکه با پایداری و ایستادگی و پافشاری بر عقاید و حقوق مردم مسلمانِ ایران و جهان، و استعانت از خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم‌السلام، راهی را در پیش بگیریم که سبب ایجاد و حفظ این انقلاب تاکنون شده است، تا به این وسیله بخشی از دِین خود نسبت به شهدا را ادا کرده باشیم.

به امید آنکه به زودی شاهد ظهور منجی عالم و پیروزی نهایی دولت حق در برابر مستکبرین باشیم. إن شاء الله.

---

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۴
وحدت شیعه و سنی

انگیزه‌سازی

شاید بسیاری افراد، این روزها اخبار کشتار شیعیان در پاکستان، حمله به شیعیان در عراق، حمله به حسینیه‌ها و مراکز شیعی در سوریه، محدودیت‌ها علیه شیعیان در مصر و عربستان و... را شنیده باشیم، اما در چرایی این تفرقه افکنی‌ها و اخلال در وحدت مسلمین چه مقدار اندیشه و تفکر شده است؟

این حکایتِ مشترک بین فرهنگ‌های مختلف جهان تکراری است، اما یادآوری آن بی‌فایده نیست. داستان آن پیرمردی که می‌خواست به فرزندان خود درس اتحاد و یکی بودن را بیاموزد و به هریک چوبی داد و گفت بشکنید و آنها شکستند و سپس دو چوب داد و گفت بشکنید، شکستند و این

ماجرا تا جایی پیش رفت و چوب‌ها به تعدادی رسید که برای هیچ یک از فرزندان، شکستن چوب‌ها امکان‌پذیر نبود.

درسی که پدر می‌خواست به آنها بدهد، درس وحدت و با هم بودن بود؛ اینکه اگر پشتیبان یکدیگر باشید، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر شما غلبه کند؛ این روایت با وجود اینکه در بیشتر فرهنگ‌ها آمده، اما کمتر به اهمیت آن توجه شده است.

در فرهنگ اسلامی، بر وحدت مسلمانان تأکید بسیار شده و در روایات و آیات متعدد وحدت بین مسلمین به صورت آشکار و تلویحی مورد توصیه قرار گرفته است.

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَى أَمْرِنَا قَالَ تَنْظُرُونَ إِلَى أَئِمَّتِكُمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ مَا يَصْنَعُونَ فَوَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ وَيُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ.[1]

«یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان می‌پرسد: هنگامی که با مردمی که شیعه نیستند معاشرت می‌کنیم، چه روشی برای ما بهتر است؟ امام علیه‌السلام فرمودند: به امامان خود نگاه کنید که چگونه رفتار می‌کنند، پس همانند آنها باشید. بخدا سوگند امامان شما همواره از مریض‌های آنان (غیر شیعیان) عیادت می‌کنند و در تشییع جنازه‌ها حاضر می‌شوند و هر جا لازم باشد به نفع آنها یا علیه آنها شهادت می‌دهند و اگر امانتی در

۱. محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶

دستشان باشد به آنها تحویل داده و خیانت نمی‌کنند.»

همچنین در احکام اسلامی، مناسکی وجود دارد که بخشی از ثمره‌ی آن، نمایش وحدت به شکلی نمادین می‌باشد. قبله‌ی واحد، مراسم حج، قرائت و تکریم قرآن کریم، روزه و امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان در زمره این مناسک اسلامی قرار داد که با وجود اختلاف‌های فقهی، در میان مذاهب مختلف اسلامی مشترک است.

امام خامنه‌ای نیز یکی از پرچم‌داران وحدت اسلامی می‌باشند و از جمله مواردی که ایشان، ریشه‌ها و آسیب‌های خطر تفرقه را بیان نمودند، بیانات ایشان در جمع مردم کردستان است که به حکم شرعی آن هم اشاره فرموده و حجت را بر همگان تمام کردند:

«شما نگاه کنید ببینید آن کسانی که می‌خواهند وحدت ملت ایران را به هم بزنند، چه کسانی هستند؟ آن کسی که ندای تفرقه‌ی بین شیعه و سنی را سر می‌دهد و به بهانه‌ی مذهب، می‌خواهد وحدت ملی را بهم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. ... من عرض می‌کنم، رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.»[1]

اقناع اندیشه

نگاه به مسأله وحدت در آینه قرآن و حدیث، بسیار کمک

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲

کننده است.

بی‌شک مسأله وحدتِ اسلامی و ضرورت حفظ آن، از نظر عقل و عقلاء بر هر انسان منصفی پوشیده نیست. ضمن اینکه خداوند متعال نیز در قرآن کریم به این مسأله اشاره نموده است که در اینجا چند مورد را بیان می‌کنیم:

وَ أَطیعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ.[۱]

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا.[۲]

و همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید.

وَ إِنَّ اللهَ رَبّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ.[۳]

و همانا خداوند، پروردگار من و شماست، پس او را بپرستید که بندگی او راه مستقیم و استوار است.

مِلَّةَ أَبیکُمْ إِبْراهیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمینَ.[۴]

همگی از ملت پدرتان ابراهیم هستید و او شما را مسلمان نامید.

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) نیز در مورد توجه و تمسک به قرآن برای ایجاد وحدت می‌فرمایند:

---

۱. سوره انفال، آیه ۴۶

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۳. سوره مریم، آیه ۳۶

۴. سوره حج، آیه ۷۸

«بعضی از مفاهیم قرآنی وجود دارد که دست استعمار سعی کرده است ماها را از آنها دور نگه بدارد. ما را از جهاد دور نگهداشتند. ما را از این‌که کفار نباید بر مسلمین مسلط باشند، دور نگهداشتند. ما را از آیاتی که وحدت مسلمین در آنها هست، دور نگهداشتند.»[۱]

اهل بیت علیهم‌السلام نیز علاوه بر اینکه خودشان عملاً ملتزم به رعایت این مهم بوده‌اند، در بیاناتی نورانی، خطاب به ما شیعیان تأکید کردند که موضوع وحدت و پرهیز از تفرقه را رعایت نموده و از آن غافل نباشیم. چند مورد از این احادیث خدمتتان تقدیم می‌گردد:

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

خَطَبَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِمِنًى إِلَى أَنْ قَالَ: الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ هُمْ يَدٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ.[۲]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در منا برای مردم خطبه خوانده و در ضمن آن فرمودند: مسلمانان برادر همدیگرند، و خونشان برابر است و اگر کوچک‌ترین آنها به کسی امان داد، همگی آن را مراعات می‌کنند. آنها در برابر دیگران (دشمنانِ غیر مسلمان) همدست و کمک یکدیگرند.)

۱. امام علی علیه‌السلام در وصیت به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام می‌فرمایند:

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از قاریان، ۱۳۷۰/۳/۱۶

۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الأمالی (للصدوق)، ص۳۵۱

وَعَلَيْكُمْ يَا بَنِيَّ بِالتَّوَاصُلِ وَالتَّبَاذُلِ وَالتَّبَارِّ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطُعَ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّفَرُّقَ.[۱]

و بر شما باد ای فرزندانم به ارتباط و بذل و بخشش، و بر حذر باشید از جدائی و پشت کردن به یکدیگر و تفرقه.

۲. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «يَامَعْشَرَالْمُؤْمِنِينَ تَأَلَّفُوا وَتَعَاطَفُوا.»[۲]

هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللهُ إِصْلَاحٌ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبٌ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا.»[۳]

ایجاد وحدت به هنگام پیدایش اختلاف و تباهی میان امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه‌ایست که خداوند آن را دوست دارد.

۳. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَنَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ أَ فَأَمَرَهُمُ اللهُ سُبْحَانَهُ بِالاخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؟»[۴]

خدایشان یکی، پیامبرشان یکی، و کتابشان یکی است. آیا خداوند آنها را به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می‌کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می‌نمایند؟

---

۱. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۴۷

۲. محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، جلد ۲، ص ۳۴۵

۳. محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، جلد ۲، ص ۲۰۹

۴. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، خطبه ۱۸، ص ۶۰-۶۱

همچنین رهبر انقلاب با استفاده از روایات می‌فرمایند:

«امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. ... امروز هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ی الهی است، ناطق من الله است. «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.»[1] آنهائی که از زبان ابلیس حرف می‌زنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم می‌برند؛ خودشان را هم دچار هلاکت می‌کنند.»[2]

رفتارسازی

در جامعه اسلامی، هر فردی در هر جایگاهی که قرار دارد، چه به عنوان حاکم اسلامی و یا کارگزار، دانشمند، عالم، امام جماعت و یا فردی عادی که حتی در محیط اطراف خود ارتباطی با مذاهب دیگرِ اسلامی ندارد، در بحث وحدت دارای وظایفی می‌باشد که در رسیدن به این هدف والا مؤثر است. لذا می‌بینیم که اهل بیت علیهم‌السلام در رفتارهای اجتماعی، همواره به شیعیان سفارش می‌نمودند که در تشییع جنازه آنها شرکت کنید و به عیادت آنها بروید و در مشکلات و سختی‌ها در کنارشان باشید و به امور مسلمین اهتمام بورزید و بالاتر از آن فرموده‌اند

۱. محمد بن یعقوب (کلینی)، الکافی، ج ۶، ص ۴۳۴

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۳/۱۸

که در نماز جماعت آنها نیز شرکت کنید و آنقدر با آنها مدارا کنید که اگر یکی از ایشان شما را دید، از دیدن شما خوشحال شود.[۱]

آنچه در اینجا لازم است دانسته شود، کیفیت و چگونگی ایجاد و یا تقویت وحدت بین شیعه و سنی می‌باشد. با جستاری در بیانات امام خامنه‌ای، می‌توان به مواردی دست یافت که به عنوان دستورات و توصیه‌های عملیِ ایشان در موضوع وحدت، خطاب به جامعه محسوب می‌شوند:

۱. تشکیل یک نهضت علمی و منطقیِ فراگیر از سوی همه‌ی علمای مذاهب اسلامی برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری.[۲]

۲. روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری آمریکا و انگلیس. باید روشنگری کرد؛ باید در دنیای اسلام همه بدانند که نقش سیاست‌های آمریکا در این میان چیست.[۳]

۳. اهتمام به قضیّه‌ی فلسطین. نگذارید قضیّه‌ی فلسطین و قدس شریف و مسئله‌ی مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آنها این را می‌خواهند. آنها می‌خواهند دنیای اسلام از قضیّه‌ی فلسطین غفلت کند.[۴]

۴. جلوی بدبینی را باید بگیریم. هم شیعه مراقب باشد، هم سنی مراقب باشد. نگذارند که این وحدتی که امروز در بین کشور هست [از بین برود]؛ برجسته کردن خصوصیات قومی

---

۱. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۳۸۲

۲. بیانات در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۴

۳. همان

۴. همان

و دمیدن در آتشِ قوم‌گرایی، کارهای خطرناکی است، بازی با آتش است؛ به این هم باید توجه بکنند.[۱]

۵. اجتماع حول محور پیامبر اکرم ﷺ، زیرا وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهمترین نقطه‌ی ایجاد وحدت است. اینجا، جایی است که عواطف همه‌ی مسلمان‌ها در آنجا متمرکز می‌شود؛ این، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام است.[۲]

۶. به اسلامِ مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند، ولی با مذاهب اسلامیِ دیگر بی‌رحمانه مواجه می‌شود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز می‌کند، ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و أشدّاء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشانند.[۳]

به گواهی اسناد، می‌توان به جرأت گفت که امام خامنه‌ای جزو اولین کسانی است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان تبعید به منطقه سنی‌نشین ایرانشهر، عملاً بنیان وحدت

---

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۱/۲۷

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

اسلامیِ میان شیعه و سنی را در ایران بنا نهادند.

در گیرودار این فعالیت‌ها و در نقطه‌ی اوج‌گیریِ انقلاب اسلامی در سال ۵۶، رژیم ستمگر با نهایتِ خشونت، ایشان را دستگیر می‌کند و پس از چند شب زندان، ایشان را به «ایرانشهر» تبعید می‌نماید. اما تبعید و آب و هوای گرم و شرجیِ ایرانشهر نیز روحِ تلاش و مبارزه را در ایشان آرام نمی‌سازند. بلکه آن جا نیز از فرصت استفاده کرده، و در راه ایجاد وحدت و همبستگی میان نیروهای مبارز در آن سامان و نیز وحدت بین برادران شیعه و سنی کوشیده و موفقیت زیادی به دست می‌آورند، و با تماس با مردم و تبلیغ و برطرف ساختن مشکلات و محرومیت‌های این استانِ ستم‌زده، نقش مهمی در توجه مردم به امام خمینی، روحانیت، اسلام و انقلاب ایفا می‌کنند.

از جمله اینکه در آن سال، در ایرانشهر سیلی می‌آید که منجر به بی‌خانمان شدن و آسیب رسیدن به عده زیادی از مردم می‌شود.

آیت الله العظمی خامنه‌ای، یک گروه از روحانیون و طلاب را بسیج می‌کنند و گروه امداد روحانیت را تشکیل می‌دهند. این گروه، به قدری در کار امداد، تبلیغ، تحریک و تشجیع مردم موفق می‌شود که ساواک وحشت می‌کند. ایشان را احضار می‌کنند و رئیس ساواک به معظم له می‌گوید: دیشب در کمیسیون امنیتِ شهربانی به ساواک گفتم، شما چقدر بی‌عرضه هستید که هیچ‌کاری نکردید. یک تبعیدی ببینید این جا چه اوضاعی درست کرده است.[۱]

۱. نقل از روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۳/۳۱

پرورش احساس

متاسفانه امروزه عده‌ای از پیروان اهل بیت فکر می‌کنند از آنجایی که خودشان در شهرهایی زندگی می‌کنند که در ظاهر اهل سنتی در آنجا نیست، اجازه هر رفتاری را دارند. در حالی که کثرت وسایل ارتباطی و جاسوسی و تلاش فراوان استکبار برای برهم زدن وحدت میان مسلمانان با هر وسیله ممکن، باید ما را هوشیار کند تا حتی از رفتارهایی که در آن احتمال سوء استفاده وجود دارد، دوری کنیم.

یکی از ایامی که هر ساله به این مسأله آسیب می‌زند، ایامی است که به عید الزهراء علیها السلام شهرت یافته است، اما مجالس وهن‌آمیزی که به اسم تشیع در خانه‌ها و حتی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برگزار می‌شود، باعث می‌گردند تا برگزار کننده‌ی همین مجالس ساده و به ظاهر مخفیانه!! خسارت بزرگی به مکتب راستین اهل بیت علیهم السلام وارد کرده و خواسته یا ناخواسته، مسئولیت خون هزاران شیعه‌ی مظلوم زاهدانی، پاکستانی، عراقی، لبنانی و ... را به گردن بگیرد.

از سویی دیگر، تجربه نشان داده که هیچگاه دشنام گفتن به مقدسات دیگران، موجب هدایت گمراهان نمی‌شود، بلکه برعکس، آنان را به لجاجت و مقابله به مثل وادار می‌کند. از این رو اهل بیت علیهم السلام به شیعیان یادآور می‌شدند که خداوند از دشنام گفتن حتی نسبت به بت‌های مشرکان نهی فرموده است.

خداوند می‌فرماید: (به معبودِ کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.)[۱] بنابراین پرهیز از دشنام، یک اصل قرآنی و اسلامی می‌باشد.

به امید روزی که امت اسلامی دوباره با یکدیگر متحد شده و با خروج از تحت نفوذ و سیطره کفار، اقتدار و عزت را برای تمام مسلمانان جهان به ارمغان آورند. انشاء الله.

مناجات

از عطا و رحمت بی حدّ تو آکنده‌ام
ای خدای مهربان، از لطف تو شرمنده‌ام
گشته آلوده زعُصیان، یا رب از پا تا سرم
از منِ عاصی خطا و از تو خوبی و کرم
گرچه من خیلی بدم امّا تو خوبی ای خدا
واقعاً شرمنده‌ام، إغفر ذنوبی ای خدا

۱. سوره انعام، آیه ۱۰۸

۲۵
نقد منطقی، نقد مخرب

انگیزه‌سازی

از امام صادق علیه‌السلام منقول است که ایشان فرموده‌اند:

أَحَبُّ إِخْوَانِی إِلَیَّ مَنْ أَهْدَی إِلَیَّ عُیُوبِی.[۱] (محبوب‌ترین برادرانم در نزد من، کسی است که عیوب مرا به من هدیه دهد.)

و همچنین از مولا أمیر المؤمنین علی علیه‌السلام اینچنین نقل شده:

مَنْ أَبَانَ لَکَ عَیْبَکَ فَهُوَ وَدُودُکَ.[۲] (هر کس عیب تو را برایت آشکار سازد، همو دوستدار توست.)

فرهنگ نقد و انتقادِ منطقی و سازنده و از آن سو، نقدپذیری

---

۱. محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، الکافی (ط - إسلامیة)، ج ۲، ص ۶۳۹

۲. عبد الواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۸۲۱۰

و پاسخ‌گویی، سرمایه‌ای بسیار گران‌بها برای هر جامعه می‌باشد، چرا که یکی از عوامل اصلی در کمال و اصلاح روزافزونِ جامعه و بهبود کارکرد تک تک افرادِ مسئول در آن جامعه، همین فرهنگ والا می‌باشد. زیرا شناخت نواقص و کاستی‌ها و تلاش در جهت رفع آنها، گامی مقدس در مسیر فلاح مؤمنین و جامعه‌ی اسلامی است.

ازسوی دیگر، اگر در جامعه‌ای به جای فرهنگ نقدِ منطقی، فرهنگ تخریب و عیب‌جویی حاکم گردد و مسئولین نیز به جای پاسخ‌گویی، خود را به نادانی زده و با انکار و پرده‌پوشیِ ضعف‌ها و ایرادات و مشکلات، سعی در حفظ آبروی خود و روش‌های خود داشته باشند، نه تنها دردی از جامعه درمان نمی‌گردد، بلکه همدلی و حسن اعتماد در میان دو طبقه‌ی اصلی جامعه که همان مردم و مسئولین هستند، به مرور از بین می‌رود.

اما عقلِ دینی حکم می‌کند تا با مدیریتی مبتنی بر دیانت و خِرَد و حاکم نمودن ارزش‌های والای انسانی و الهی، همواره در پی آن باشیم که در مسیر تکاملیِ خود، آفت‌ها و آسیب‌ها را شناخته و آنها را از سر راه برداریم. اگر فرهنگ نقد و انتقاد پذیری رایج گشته و آداب و مرزهای انتقاد صحیح و منطقی تبیین شده و ویژگی‌های منتقدین روشن شود، بسیاری از تنش‌ها و کشمکش‌ها فروکش کرده و بسیاری از ضعف‌ها، نقص‌ها و کاستی‌ها، زمینه‌ی ظهور نمی‌یابند. به خصوص اگر

عموم مردم و علی الخصوص مسئولین از هرگونه غرور و اتکای بی‌جا به نفس خود عاری گشته و دائماً این نکته را آویزه‌ی گوش داشته باشند که تمام انسان‌ها در معرض خطایند، و اگر عنایت الهی برای لحظه‌ای از آنها برداشته شود، در گرداب اشتباهات و خطاهای خود غرق خواهند شد.

همین نگاه باعث می‌گردد تا بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، دائماً از این جهت مراقب رفتار اطرافیان خویش باشند، تا مبادا عده‌ای به تملق‌گویی و تمجیدهای فوق العاده از ایشان روی آورند. ماجرای دیدار ایشان با اعضای اولین دوره مجلس شورای اسلامی شنیدنی است:

آقای فخرالدین حجازی، نماینده اول مردم تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، در دیدار با امام خمینی رحمه‌الله، سخنرانی خود را با جمله «بأبی أنْتَ وَ اُمّی» آغاز کرده و بقیه محتوای سخنرانی نیز در تجلیل از مقام والای امام بود که البته ایشان از بیان این مطالب، قصد و نیتی خیر داشتند، اما امام خمینی رحمه‌الله در واکنش به این سخنان فرمودند:

«من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان‌ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط

روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می‌کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می‌کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید فرمودند.»[۱]

و همین نگاه است که باعث می‌گردد، برترین و برگزیده‌ترین بنده‌ی خداوند متعال، یعنی شخص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نیمه‌های شب با چشمانی گریان دست به سوی آستانِ معبود دراز کرده و با عجز و لابه بگوید: «اللَّهُمَّ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً[۲]؛ خدایا، هرگز مرا حتی برای لحظه‌ای به حال خودم وامگذار.»

و همین فرهنگ است که باعث می‌گردد تا حتی امام علی علیه‌السلام با آن مقام عصمت، از مردم بخواهند تا از ابراز سخن حق و خیرخواهی نسبت به روش حکومتِ ایشان خودداری ننمایند.[۳] و همچنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَيْسُوا بِنَاصِحِينَ وَ لَا يُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ[۴]؛ مردمی که خیرخواه و نصیحت کننده‌ی یکدیگر نیستند و از خیرخواهان نیز استقبال نمی‌کنند، هیچ خیری در آنها نیست.»

اما برای آشنایی بهتر با نقد منطقی، سازنده و مورد تأیید اسلام، لازم است تا نگاهی دقیق‌تر به ویژگی‌ها و آداب نقد داشته باشیم.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳، بیانات در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۵۹

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۵

۳. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص ۳۳۴، خطبه ۲۱۶

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۹۱، ح ۹۸۱۳

اقناع اندیشه

ظاهراً واژه «انتقاد» و «نقّاد» اولین بار در زمانی مورد استفاده قرار گرفت که در سکه‌های طلا و نقره، تقلب صورت گرفته و سُرب را با آن می‌آمیخته‌اند، از این رو عده‌ای خُبره وظیفه یافتند تا سکه‌های ناسره و قلابی را از میان سکه‌های رایج در بازار پیدا کرده و جدا کنند.[۱] بعدها همین کلمات درمورد کسانی به کار رفت که در میان افکار و یا اشعار به کنکاش پرداخته و موارد نادرست را مورد تذکر قرار می‌دادند. امروزه نیز مفهوم انتقاد، به معنای دقت در رفتار و گفتار افراد، برای تعیین و تشخیص امور ناصواب و سعی در اصلاح آنها می‌باشد.

اما همانطور که گفتیم، نقدی صحیح و منطقی می‌باشد که از ضوابط و آداب معینی پیروی کند، و در این مقال به بررسی بعضی از آن آداب می‌پردازیم:

۱. انتقاد عالمانه:

در منابع اسلامی از جمله شرایط امر به معروف و نهی از منکر، چنین ذکر شده: «عَالِمٌ بِمَا یَأْمُرُ وَعَالِمٌ بِمَا یَنْهَی عَادِلٌ فیما یَأْمُرُ وَعَادِلٌ فیما یَنْهَی[۲]؛ به آنچه فرمان می‌دهد و از آنچه باز می‌دارد، آگاهی داشته باشد و در هر دو مورد، عدل و داد را نگه دارد.»

طبیعتاً فردی که در مقام نقد و ایراد برمی‌آید، باید در آن

---

۱. لغتنامه‌ی دهخدا و فرهنگ معین، ذیل واژه «انتقاد» و «نقاد»

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۸

زمینه، اهل علم و آگاهی بوده و خُبره محسوب شود، در غیر این صورت به جای انتقاد، مرتکبِ اتهام شده و مشمول آیات و روایاتی می‌گردد که از بدبینی و اتهام نسبت به مؤمنین نهی کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب نیز در تذکراتشان به مسئولین، بارها تأکید نموده‌اند که انتقادِ عالمانه باید پذیرفته شود. ایشان در جمع اساتید دانشگاه می‌فرمایند:

«لازم است جلسات نقد و پرسش و پاسخ میان مسئولین و دانشگاهیان تشکیل شود... مسئولان حضور را در میان مجامع دانشگاهی بپذیرند، انتقاد دلسوزانه را بپذیرند. انسان واقعاً از این نظرات استفاده می‌کند. مسئولان از این کار إبا نداشته باشند؛ انتقاد عالمانه را، انتقاد سازنده را بپذیرند.»[۱]

۲. انتقاد، نه انتقام:

از دیگر عوامل مهم در سلامت انتقاد، دخالت نداشتن انگیزه‌های نفسانی و شخصیِ منتقد، در امر انتقاد است. زیرا هرگاه فرد از روی حسادت، لجاجت، بدبینی و یا حزب‌گرایی دست به انتقاد از فردی بزند، نه تنها برای برادر مؤمنش خیرخواهی نکرده، بلکه کلامش نیز منصفانه و اصلاح‌گرانه نخواهد بود.

در حدیثی شریف از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «**النَّصِيحَةُ مِنَ الْحَاسِدِ مُحَالٌ.**»[۲] (نصیحت و خیرخواهی از ناحیه‌ی فرد حسود

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه، ۱۳۹۰/۶/۲

۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸

محال است.)

انتقاد، متفاوت از انتقام‌جویی می‌باشد. اگر دیوِ کینه‌توزی به جای مهرورزی و مهربانی بنشیند، پرده‌ای تار در پیش چشم آدمی می‌کشد که بین او و واقعیت، فاصله‌ای طولانی ایجاد می‌کند و در نتیجه، نگاه او نگاهی دشمنانه و رفتارش نیز رفتاری مخرب خواهد بود. اگر نقد و انتقاد به درگیری و دشمنی و مچ‌گیری و رو کم کنی منجر شود، نه تنها مشکلی گشوده نخواهد شد، بلکه بر مشکلات افزوده می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهُما يُمْرِضانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوانِ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النِّفاقَ؛[1]

از بگو مگوهای بی‌حاصل و دشمنی‌ها بپرهیزید! زیرا این دو مایه بیماری دل‌های برادران دینی بوده و زمینه‌ساز نفاق در میان مؤمنان است.»

رهبر انقلاب نیز در دورانی که حجم زیادی از نقدهای مخربِ داخلی و خارجی متوجه مسئولین دولتی شده بود، فرمودند: «برخی از این افراد (منتقد) مغرض نیستند، بلکه کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع هستند. برخی هم غرض‌های شخصی و سطحی دارند، اما بعضی یا از اول امام را قبول نداشته‌اند و یا در وسط راه با انقلاب دچار مشکل شده‌اند، به همین علت با غرض‌های عمقی و کینه‌ی امام، به تخریب دولت نهم مشغول‌اند.»[2]

---

۱. محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، الکافی (ط – إسلامیة)، ج ۲، ص ۳۰۰

۲. بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۶/۲

۳. پرهیز از سیاه‌نمایی و تخریب چهره‌ی افراد:

اگر انسان بتواند عیب و کاستیِ کسی را به گونه‌ای مطرح کند که جایگاه اجتماعی و حیثیت حقوقی و حقیقی او خدشه‌دار نشود، باید چنین کند و هرگز افشاگری و دربوق و کرنا دمیدن، پسندیده نیست. گِرِهی که به آرامی و نرمی و با دست گشوده می‌شود، چرا با سر و صدا و با دندان بگشائیم!

در بیانات امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است: «هر که به مسلمانی سخنی بگوید و مقصودش بردن آبروی وی باشد، خداوند او را در لجن‌زاری از دوزخ زندانی کند تا از آنچه گفته، عذری آورد.»[۱]

و همچنین در حکمت‌های منسوب به آن حضرت آمده: «اَلنُّصْحُ بَیْنَ المَلَإِ تَقْرِیعٌ[۲]؛ نصیحتِ آشکارا و علنی، نوعی سرزنش و سرکوب به شمار می‌رود.»

امام خمینی رحمه‌الله نیز با الهام از این آموزه‌ها، همواره سفارش می‌کردند: «در انتقادها مواظب باشید با حیثیت و آبروی کسی بازی نکنید و کسی را از موقعیت و مسئولیتی که دارد؛ فرو نیفکنید. انتقاد آزاد است، به اندازه‌ای که نخواهند کسی را خفیف کنند یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند. انتقادات برای اصلاح امور لازم است.»[۳]

امام خامنه‌ای نیز در دوران انتخابات، خطاب به نامزها

---

۱. محمد باقر بن محمد تقی (علامه مجلسی)، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰

۲. ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۴۱

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۶۶

می‌فرمایند: «نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز می‌کنند؛ این حق آنها است؛ می‌توانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمائی و منفی‌بافی و بی‌انصافی.»[۱]

٤. بیان ویژگی‌های مثبت در کنار نکات منفی:

یکی از عوامل مهمی که باعث منصفانه بودن و دوری از تخریب چهره‌ی افراد در جریان نقد می‌شود، بیان نکات و نقاط قوت افراد در کنار اشکالات و ایرادات است. در این صورت، فردِ انتقاد شونده با آرامش بهتری به ایرادات گوش فراداده و به اصطلاح حالت تدافعی و گارد ذهنی به خود نمی‌گیرد.

امام خامنه‌ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با اشاره به همین مطلب می‌فرمایند:

«انتقاد دو گونه است. علامت دلسوزانه بودن انتقاد این است که وقتی انسان انتقاد را بیان می‌کند، نقطه قوت را هم در کنار او بیان کند تا معلوم شود که بنای نظر شخصی، بنای انتقام‌گیری و بنای اذیت کردن ندارد و إلا اگر ما یک مجموعه‌ای داشته باشیم که نقاط قوت و نقاط ضعفی هم دارد، آن وقت در بیان انتقاد، نقاط قوتش را اصلاً در نظر نگیریم

۱. بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۲/۳/۱۴

و به زبان نیاوریم، بعد یک یا دو یا ده مورد از نقاط ضعف را همین طور بیان کنیم، معلوم است که تضعیف خواهد شد. علامت این که نمی‌خواهیم تضعیف کنیم، این است که نقاط قوت را هم بیان کنیم. حالا اگر یک وقت در موردی انتقادی هم داریم، بگوییم اشکالی ندارد و کسی با آن مخالفتی ندارد.»[۱]

۵. نقد، نه نفی:

متأسفانه گاهی موارد، به هنگام نقدِ برخی رفتارها و یا اندیشه‌های فرد مقابل، تمام شخصیت و عملکرد او زیر سؤال می‌رود و حتی گاهی برچسب‌هایی اغراق‌آمیز به فرد انتقاد شونده زده می‌شود؛ تعابیری چون، بی‌عرضه، منافق، خائن، دزد و امثال آن که متأسفانه در ادبیات انتقادهای امروزی رواج دارند، اما قطعاً این روش درست نبوده و مصداق اتهام پراکنی و هتک آبروی مؤمن می‌باشد.

بنابراین شیوه‌ی صحیح در نقد آن است که با دقت در تعابیر و الفاظ به کار رفته در هنگام نقد، از لطمه زدن به شخصیت و حیثیت افراد پرهیز کرده و فقط رفتارهای نادرست و غیر قابل قبولِ او را متذکر شویم، تا مبادا در پرونده‌ی اعمالمان به جای نصیحت و خیرخواهی نسبت به برادر مؤمن، تهمت و افترا به مؤمنین ثبت شود.

امام خامنه‌ای نیز در رهنمودی به جوانان می‌فرمایند: «از

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶/۳/۸

جوان چه انتظاری وجود دارد؟ ما از جوان می‌خواهیم راه را گم نکند. نقد، اشکالی ندارد؛ اما نفی، بزرگترین ظلم به این ملت است. بعضی کسان به زبان نقد، نظام اسلامی را نفی می‌کنند. بعضی کسان انتقادی که بر فلان مدیر و مسؤول وارد است، انتقاد به نظام می‌دانند. این غیرمنصفانه است.»[۱]

موارد دیگری نیز در سازنده بودن نقد دخیل می‌باشند که برای رعایت اختصار، تنها به عنوان آنها اشاره می‌کنیم.

۱. آن عیوبی که نسبت به دیگران تذکر می‌دهیم، در خود ما نباشد.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللهِ مَا أَحُثُّكُمْ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنْهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَتَنَاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا.[۲]

امیر المؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: ای مردم، به خدا سوگند، شما را بر هیچ طاعتی تشویق ننمودم، مگر آنکه خودم زودتر از شما به آن سبقت گرفتم، و شما را از معصیتی بازنداشتم، مگر آنکه زودتر از شما از آن پرهیز نمودم.

۲. لحن انتقاد، مشفقانه باشد.

لِيَكُنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيْكَ الْمُشْفِقَ النَّاصِحَ.[۳]

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: می‌باید محبوب‌ترینِ مردم در نزد تو، فردِ خیرخواهِ مشفق باشد.

---

۱. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۸/۱۲

۲. سید رضی، نهج البلاغة (للصبحی صالحی)، ص۲۵۰، خطبه ۱۷۵

۳. عبدالواحد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص۵۴۹

۳. تا جای ممکن به صورت مخفی و محرمانه انتقاد شود.

قَالَ علیه‌السلام مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرّاً فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَه.[۱]

امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند: هر آن کس که برادر (ایمانی خود) را در نهان موعظه کند، او را زینت داده و هر کس او را آشکارا پند دهد، سرافکنده‌اش نموده.

طبیعتاً نکات دیگری نیز می‌توانند در بهینه‌سازیِ نقد و بالا بردن احتمال تأثیر آن در انتقاد شونده، تأثیرگذار باشند که با اندکی تأمل و دقت، قابل فهم و کشف هستند.

رفتارسازی

روی دیگر سکه‌ی انتقاد، روحیه‌ی نقدپذیری و ترتیب اثر دادن به نقدهای منطقی و دلسوزانه است. حتی بالاتر از این حالت، روحیه‌ی پذیرش و تأمل در نقدهای توهین‌آلود و مخرّب، برای یافتن ایرادات حقیقی خودمان در میان سیل اتهامات و انتقادات است، زیرا مؤمن برخلاف منافق، دائماً به دنبال کشف عیوب خویش بوده و مشغله‌ی ذهنی‌اش در مورد نقایص خویش است. آنگونه که مولا أمیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ.»[۲] (خوشا به حال کسی که توجه به عیوب خویشتن، او را از توجه به

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص۴۸۹

۲. علی بن إبراهیم، تفسیر قمی، ج۲، ص۷۰

عیوب دیگران بازداشته.) بنابراین حالت ایده‌آل در برابر انتقاد، تحمل و سکوت نمی‌باشد، بلکه استقبال از هر نقدی، و لو با لحن گزنده و سرزنش‌گر، بهترین و مناسب‌ترین برخورد با هرگونه نقد است.

ازباب نمونه، چند مورد از نکات ضروری در مقام انتقادپذیری که از بیانات امام خامنه‌ای برگفته شده را خدمتتان عرض می‌نماییم.

در مواردی که می‌دانیم و یا گمان اصلیِ ما بر آن است که فردِ منتقد، از روی دلسوزی و خیرخواهی انتقاد نموده، حتماً انتقاد او را با دل و جان پذیرفته و با دقت گوش دهیم و حداقل بر روی سخنانش تأمل نماییم؛ نه آنکه او را فردی مخالف با اصل حکومت و یا اندیشه‌ی اسلامی خطاب کرده و تحقیر کنیم.[۱]

۱. از انتقاد نترسیده و در مقابل نقد شدن، دچار واهمه و سراسیمگی نشویم. زیرا واکنشِ مناسب در برابر انتقاد، استقبال از آن و سپس دقت در کلام و نکاتِ مدّ نظر منتقد است، نه آنکه از ترس نقد شدن، دست از کار و انجام مسئولیت‌های مُحوّله برداریم و به کُنج انزوا بخزیم.[۲]

۲. در صورت حرکت بر مسیر ایمان و تقوا، انتقادهای دشمنان و انتقادهای تخریبی، هیچ آسیبی به چهره‌ی انتقاد شونده وارد نمی‌کنند؛ گرچه انتقاد کسانی که سلیقه‌ای متفاوت دارند اما دشمنیِ آنها ثابت نشده، باید مورد دقت و توجه قرار

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰/۶/۲

۲. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۱/۶/۴

گیرد، چه بسا که نکاتی مفید در آن حرف‌ها یافت می‌شود.[۱]

پرورش احساس

یکی از نکات حساس در بحث نقد، آن است که امروزه نقد به عنوان ابزاری در دست دشمنان قسم خورده‌ی نظام و انقلاب اسلامی قرار گرفته و آنان با فریب و دورویی، اینگونه وانمود می‌نمایند که خیرخواهِ مردم ایران و اهل انصاف و بیان واقعیت‌ها هستند. شبکه‌های ماهواره‌ای که با ادعای بیان واقعیت‌ها، زبان به انتقاد از زوایای مختلف حکومت اسلامی ایران گشوده و در پس پرده، هدفی جُز از میان برداشتن حکومت اسلامی و خدشه‌دار نمودن اعتماد مردم به مسؤولین ندارند و در این راه از هرگونه بی‌انصافی و دروغ‌گویی و اغراق‌گویی پرهیز نمی‌کنند.

در چنین شرایطی، بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد که به هیچ عنوان در بیان انتقادات، با دشمنان اسلام هم‌زبان نشده و از این طریق همکار و همراه با آنها نگردیم. چه بسا نقاط ضعف و ایراداتی در ساختار حکومتی کشور وجود دارد که مورد توجه ویژه و تمرکز رسانه‌های بیگانه قرار گرفته است، ولی مؤمنین بصیر و هوشیار باید بدانند که در چنین مواردی صلاح بر آن است که از درون کشور هیچ صدای انتقادی نسبت به آن موضوع خاص بلند نشود و بلکه حتی به دفاع از آن دستگاه و ارگان بپردازیم و اگر مصلحت مهمی در حال از دست رفتن

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸

است، با نقد مخفیانه و خصوصی، نسبت به برطرف کردن آن اشکالات همت گماریم.

رهبر انقلاب نیز در این خصوص بارها به نشریات و منتقدین داخلی هشدار داده‌اند.

«بعضی (انتقاد) ها به قصد اصلاح نیست، بلکه به قصد تخریب است، هم از مجموعه‌ی مطبوعات خودمان، هم پشتوانه آنها ده‌ها رادیو و تلویزیون بیگانه و رسانه عمومی و بین‌المللی در اختیار حرف‌ها و افکاری است که بنایش بر تخریب است. یعنی هیچ بنای اصلاح ندارند. آنچه که نقل می‌کنند برای تخریب است. لذا واقعیت و غیرواقعیت و خلاف واقع و ضد واقع، همه چیز در آن است. گاهی یک چیز کوچک را بزرگ می‌کنند، گاهی یک چیزی که نبوده، به عنوان یک حقیقت مسلم جلوه می‌دهند. اینها البته هست. این، تخریب است.»[1]

به امید آنکه با رعایت اخلاقِ انتقاد از سوی مردم و وجود روحیه‌ی انتقادپذیری در مسؤولین، کشور عزیزمان روز به روز در مسیر پیشرفت و اقتدار حرکت کرده و ملت و دولت با کمک به یکدیگر، نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کنند. إن شاء الله.

مناجات

با کوه عصیان آمدم

با چشم گریان آمدم

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۸

عُمرم شده صَرف گناه
امّا پشیمان آمدم

بیچاره‌ی درمانده را
در محضرت راهش بده

در وادیّ عُبودیت
سوزش بده آهش بده

با این نفس امّاره و
درد جهالت چه کنم

گر ببخشی من را بگو
با این خجالت چه کنم

دفتر مطالعات پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

۲۶

وظیفه مسئولین در قبال مردم

انگیزه‌سازی

با تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی در کشورمان، انتظاراتی در افکار جامعه‌ی مسلمان ایران ایجاد شد. آنان توقع داشتند که مسئولینِ پس از انقلاب، افرادی با تقوا و به دور از خواسته و منفعت‌طلبی‌های شخصی باشند و از موقعیت حکومت، تنها برای خدمت به مردم استفاده نمایند.

در همین راستا، امام خمینی رحمه‌الله و امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) هریک به سهم خویش، تذکرات و توصیه‌هایی به مسئولین رده‌های مختلف در کشور داشته‌اند تا مبادا افرادی که در پست‌های مختلف حکومتی به قدرت می‌رسند، از مسیر صحیحِ خدمتگذاری خارج شده و در منجلاب دنیاپرستی و

قدرت‌طلبی گرفتار شوند.[۱]

البته با نگاهی به سیره‌ی معصومین، درمی‌یابیم که آن بزرگواران نیز در مواردی که در رأس حکومت قرار گرفته‌اند، با حساسیتی فراوان نسبت به این مهم رفتار کرده‌اند. از باب نمونه، بخش‌هایی از توصیه‌های امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به مالک اشتر در هنگام اعطای ولایت مصر، خدمتتان تقدیم می‌گردد.

«مهربانی و محبت و لطف به رعیّت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیّت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیّت بر دو گروهند: یا برادر دینی تواند، یا انسان‌هایی مانند تو، پس اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا مشکلاتی بر آنان عارض می‌گردد، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنها آسان‌گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد؛ چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی، و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می‌باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نموده. خداوند کفایت امور رعیّت را از تو خواسته، و به خاطر آنان تو را در عرصه آزمایش قرار داده.

خود را در موقف جنگ با خدا قرار مده، که تو را تحمّل کیفر او نیست، و از عفو و رحمتش بی‌نیاز نمی‌باشی. از گذشتی که از مردم کرده‌ای پشیمان مشو، و بر کیفری که داده‌ای شاد مباش،

۱. به عنوان نمونه: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۸/۱۱

و به خشمی که راه بیرون رفتن از آن وجود دارد شتاب مکن، و فریاد مزن که من بر شما گمارده شده‌ام، فرمان می‌دهم باید اطاعت شوم؛ که این وضع موجب فساد دل، و کاهش و ضعف دین، و باعث نزدیک شدن زوال قدرت است.

.... خدا و مردم را از جانب خود و خواص از خاندانت و کسانی از رعیّتت که به او علاقه داری انصاف ده، که اگر انصاف ندهی ستم کرده‌ای، و هر که به بندگان خدا ستم کند خداوند به جای بندگان ستمدیده خصم او می‌باشد، و هر که خداوند خصم او باشد عذرش را باطل کند، و شخص ستمکار محارب با خداست تا وقتی که از آن مَنصب عذل شود و یا توبه کند.

چیزی در تغییر نعمت خدا، و سرعت دادن به عقوبت او، قوی‌تر از ستمکاری نیست، که خداوند شنوای دعای ستمدیدگان، و در کمین ستمکاران است.

باید محبوبترین امور نزد تو میانه‌ترینش در حق، و همگانی‌ترینش در عدالت، و جامع‌ترینش در خشنودی رعیّت باشد، چرا که خشم عموم، خشنودی خواص را بی‌نتیجه می‌کند، و خشم خواص در برابر خشنودی عموم، قابل عفو است.»[1]

اقناع اندیشه

در تفکر اسلامی، ریاست بر مردم به عنوان یک مسئوولیت سنگین و خطیر محسوب می‌شود، بر خلاف فرهنگ غیر دینی،

۱. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۲۷ - ۴۲۹

که ریاست را فرصتی برای سریع‌تر رسیدن به هواهای نفسانی و بهره‌مندی هرچه بیشتر از قدرت و ثروت می‌دانند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در کلامی شیوا، این نکته را بیان فرموده‌اند که: «سَیِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ.»[۱] (رئیس و آقای هر قوم، خدمتگزار آن‌ها می‌باشد.)

گفته می‌شود که سه رکن اصلی در هر حکومت، ایدئولوژی ساختاری، مسئولین و مردم هستند و طبیعتاً مسئولین و کارگزاران در هر حکومت، اجراکننده‌ی قوانین بوده و رابطه‌ی میان مردم با ایدئولوژی‌های ساختاری و اصلی در آن حکومت می‌باشند، بنابراین در کشور ما که حکومتی بر اساس ایدئولوژی اسلامی تشکیل شده، مسئولین نیز واسطه‌ای میان توده مردم با اندیشه حکومت اسلامی شده‌اند و در مقام عمل آن را به اجرا درمی‌آورند، پس در صورت موفقیت آنها، اسلام در نظر مردم بزرگ جلوه کرده و در صورت شکست و یا ضعف جدی در آنان، چهره‌ی اسلام دچار ضعف و نقص خواهد شد.

با نگاهی به آیات و احادیث تفصیلی در این زمینه و بهره بردن از شیوه‌ی عملی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، به نکات و وظایف متعددی برای مسئولین در حکومت اسلامی نسبت به مردم دست می‌یابیم که بررسی تمام آنها در این مجال نمی‌گنجد، از این رو تنها به ذکر برخی وظایف مهم‌تر و حساس‌تر اکتفا می‌کنیم.

۱. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۸

۱. دوری از تکبر و فخرفروشی:

یکی از صفات ناپسند اخلاقی، که درمورد مسئولین و کارگزاران حکومتی به صورت ویژه و خاص، ناشایست می‌باشد، تکبر و غرور است. در کلامی مشهور از أمیر المؤمنین علیه‌السلام آمده: «آفَةُ الرِّئَاسَةِ الفَخرُ.»[۱] (آفت ریاست، فخر است.)

در نگاه عموم مردم، مسئولین در هر حکومت، قشری فرهیخته و الگو برای جامعه بوده و افرادی والااندیش هستند. بدیهی می‌باشد که چنین انسان‌هایی نباید اهل تکبر باشند، بلکه می‌بایست همواره شکوه و بزرگی خداوند را در نظر داشته و خود را در محضر او ببینند و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

نامه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر، یکی از الگوهای بسیار آموزنده در این زمینه می‌باشد. حضرت در بخشی از این نامه می‌فرمایند: «إِیَّاکَ وَمُسَامَاةَ اللهِ فِی عَظَمَتِهِ وَالتَّشَبُّهَ بِهِ فِی جَبَرُوتِهِ فَإِنَّ اللهَ یُذِلُّ کُلَّ جَبَّارٍ وَیُهِینُ کُلَّ مُخْتَالٍ.»[۲]

مضمون توصیه ایشان آن است که اگر قدرتی که از آن برخورداری، نِخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ بشمری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر، و قدرتی را که بر تو دارد بنگر و حال آنکه تو چنین قدرتی را بر خود نداری؛ که چنین نگریستن، سرکشی تو را می‌خواباند و تیزی تو را فرو می‌نشاند و خِرَد رفته‌ات را به جای باز می‌گرداند.

---

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۷۹

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۱۲۷

۲. گشاده‌رویی، محبت و مدارا با مردم:

امیر المؤمنین علیه‌السلام در توصیه‌ای خطاب به محمد بن أبی بکر، والیِ ایشان در مصر می‌فرمایند:

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَکَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَکَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَکَ.»[۱]

در برخورد با مردم، رفتاری از روی فروتنی، نرمخویی و مهربانی داشته، و با آنان گشاده‌رو و خندان باش.

گشاده‌رویی از جمله عواملی است که می‌تواند مانع از دگرگونی حال مدیر و مسئول، بعد از به قدرت رسیدن باشد و اینکه قدرت و مسئولیت‌های جدید، او را از حالت قبلی که با مردم نشست و برخاست می‌کرد و با آنها نزدیک بود، خارج نکند. مدیر و حاکم باید مراقب باشد تا به گونه‌ای رفتار کند که پس از به قدرت رسیدن، حتی به مردم نزدیک‌تر شود.

مولای متقیان علی علیه‌السلام در همین زمینه می‌فرمایند: «فَإِنَّ حَقّاً عَلَى الْوَالِي أَلَّا يُغَيِّرَهُ عَلَى رَعِيَّتِهِ فَضْلٌ نَالَهُ وَلَا طَوْلٌ خُصَّ بِهِ وَأَنْ يَزِيدَهُ مَا قَسَمَ اللهُ لَهُ مِنْ نِعَمِهِ دُنُوّاً مِنْ عِبَادِهِ وَعَطْفاً عَلَى إِخْوَانِهِ.»[۲]

یکی از وظایف والی آن است که مقام و نعمت مخصوصی که به او رسیده، حال وی را نسبت به مردم تغییر ندهد، بلکه نعمت الهی، او را به بندگان خداوند نزدیک‌تر و نسبت به برادران (دینی‌اش) مهربان‌تر کند.

در بخشی از نامه‌ی أمیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر که در

---

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، النص، ص ۱۷۷

۲. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، ص ۴۲۴

ابتدای مطالب نیز نقل شد، در توصیه به مدارا با مردم و تحمل خطاهای آنان چنین آمده: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبُعاً ضَارِياً تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمُ الزَّلَلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ وَ يُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَإِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلِ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ.»[1]

رفتارت با مردم، هرگز چونان حیوانی وحشی و شکاری نباشد که خوردن آنها را غنیمت بشماری، چرا که مردم دو دسته‌اند، یا برادران دینی تو هستند و یا در خلقت شبیه تو می‌باشند. پس اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا مشکلاتی بر آنان عارض می‌گردد، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌شوند، آنان را ببخشای و بر آنها آسان‌گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد.

۳. انتقادپذیری و پرهیز از ایجاد جوّ ارعاب:

در نگاه معصومین علیهم‌السلام، مقدمات تحقق عدالت اجتماعی زمانی فراهم می‌گردد که مردم و مسئولین به حقوق و وظایف متقابل خود آشنا باشند و بر همین اساس نسبت به یکدیگر خیرخواهی و نصیحت را فراموش ننمایند. بر همین اساس، نقدِ دینی و پذیرش آن، از ارکان حکومت‌های الهی برشمرده می‌شود. اما حکومت‌های غیر دینی، اگرچه که استبدادِ خود

۱. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۲۷ - ۴۲۸

را در زیر نقاب دموکراسی پنهان می‌نمایند، اما در واقع حقوق و وظایف مردم و مسئولین را به صورت یکطرفه و به نفع قدرتمندان و ثروتمندان تعریف می‌نمایند.

امیر المؤمنین علیه‌السلام در این زمینه نیز توصیه می‌فرمایند: «وَ اجْعَلْ لِذَوِی الْحَاجَاتِ مِنْکَ قِسْماً تُفَرِّغُ لَهُمْ فِیهِ شَخْصَکَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً عَامّاً فَتَتَوَاضَعُ فِیهِ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَکَ وَ تُقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَکَ وَ أَعْوَانَکَ مِنْ أَحْرَاسِکَ وَ شُرَطِکَ حَتَّی یُکَلِّمَکَ مُتَکَلِّمُهُمْ غَیْرَ مُتَتَعْتِعٍ.»[۱]

پاره‌ای از وقت خویش را برای آنان که با تو سخنی دارند، قرار بده و در یک مجلس عمومی، به حرف‌های آنان گوش فرا ده. سپس در آن مجلس برای (رضای) خداوندی که تو را خلق کرده، فروتن باش و لشکریان و نیروهای نظامی و انتظامی و محافظان شخصی‌ات را از آنان دور کن تا آنان که با تو سخنی دارند، بدون هیچ ترس و نگرانی و لکنت زبان، با تو سخن بگویند.

٤. تربیت اخلاقی و آموزش قرآن و احکام دین:

از مهم‌ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، اهتمام جدی به امور فرهنگیِ جامعه و آموزش مسائل دینی به جوانان و عموم مسلمانان می‌باشد تا زمینه‌ی رشد فکری و اخلاقی در میان مردم هر چه بیشتر فراهم گردد. چه بسا می‌توان گفت که این وظیفه در دولت‌های اسلامی، مهم‌تر و والاتر از رسیدگی به امور

۱. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۳۹

معیشتی مردم است و حتی در بسیاری از موارد، بازار اسلامی، از ربا و دروغ و فریب عاری نخواهد شد، مگر پس از آموزش کامل و مناسب احکام و اعتقادات اسلامی در این زمینه.

امام علی علیه‌السلام در توصیه‌ای به قُثَم بن عباس، نماینده‌ی ایشان در شهر مکه می‌فرمایند: «وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَفْتِ الْمُسْتَفْتِيَ وَ عَلِّمِ الْجَاهِلَ وَ ذَاكِرِ الْعَالِمَ وَ لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانُكَ وَ لَا حَاجِبٌ إِلَّا وَجْهُكَ.»[1]

و پس از نماز ظهر و عصر در میان آنها نشسته و پاسخ کسانی را که از احکام دینی پرسش دارند، بده و به جاهلان تعلیم بفرما و عالمان را مورد تذکر و یادآوری قرار بده و نباید به جز زبانت، هیچ واسطه‌ای میان تو و مردم وجود داشته باشد و می‌باید چهره‌ات را مستقیماً ببینند.

ایشان همچنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، در خطاب به مردم شام، یکی از وظایف حاکم اسلامی را همین موضوع بیان کرده و می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقّاً وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ ... تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا.»[2]

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقّی واجب شده است. حق شما بر من، آن است که ... شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید، و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.»

و در کلامی دیگر می‌فرمایند: «عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَ وَلَايَتِهِ

---

۱. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۶۷، ص ۴۵۷

۲. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، خطبه ۳۴، ص ۷۹

حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ.»[۱]

امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.

پرورش احساس

یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولین در قبال مردم، توجه ویژه به قشر محروم و مستضعف می‌باشد که خداوند درمورد حق آنها توصیه و سختگیری فراوان نموده است. مولای متقیان علی علیه‌السلام در کلامی شورانگیز، نسبت به حقوق این گروه این‌گونه توصیه می‌فرمایند:

«سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه‌ی محروم، گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دستِ نیاز برمی‌دارند، پس برای رضای خدا، پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معیّن فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غلّه‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترینِ مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبادا سرمستیِ حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۵۳

مهم، عذری برای ترک مسئولیّت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از روی کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق کرده و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیّت، بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی. از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز برنمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیّتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، تمامش سنگین است، امّا خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، ... من از رسول خدا ﷺ بارها شنیدم که می‌فرمود: ملّتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد.»[1]

۱. سید رضی، نهج البلاغه (للصبحی صالحی)، نامه ۵۳، ص ۴۳۸ - ۴۳۹

رفتارسازی

در نهایت، آنچه می‌تواند به عنوان شاخص اصلی و وظیفه‌ی کلیدیِ مسئولین حکومت اسلامی در قبال مردم محسوب شود، برقراری عدالت می‌باشد.

در همین زمینه، مقام معظم رهبری با استدلال به آیات قرآن و سیره‌ی رسول خدا و أمیر المؤمنین علیهما السلام می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام)، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویّت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است. یعنی عدالت، یعنی تأمین کردنِ هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالقِسطِ.»[1] اقامه قسط الهی. قسط و عدل با دستوری که اسلام معیّن کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام)، اولویّت درجه اوّل بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشّر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش‌های مادّی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته‌ترین مسأله در زندگیِ حکومتیِ امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) بود. پیغمبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین

۱. سوره حدید، آیه ۲۵

منصوب می‌کردند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان فرمودند. پیغمبر می‌دانستند امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام)، در چه جهتی فکر می‌کنند و حرکت خواهند کرد. آن حضرت دست پرورده پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام)، در حقیقت عدل را در جامعه اسلامی اهمیّت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام)، در طول همان چهارسال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمامشان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعه اسلامی می‌دانستند. و این، آن چیزی است که ملت‌ها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره‌های مختلف، از آن محروم بوده‌اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر به صحنه عالم و کاری که ابرقدرت‌ها می‌کنند و روش حکومتی که حکّام مادی در دنیا عمل می‌کنند نگاه کنید، باز هم می‌بینید مشکل همین است. مشکل بشریّت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهاج امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) است.»[1]

مناجات

مرا به خلوت و ذکر شبانه راهی نیست
چرا که سهمیه‌ام غیر روسیاهی نیست

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۳/۳۰

همیشه غیر تو را کرده‌ام طلب از تو
ببخش! نیت و مقصود من الهی نیست
مرا به سوی خودش می‌کشد چنان نفسم
که یک دو گام دگر تا خود تباهی نیست
فقط تو مشتری دست خالی‌ام هستی
اگرچه پیش تو دل گاه هست و گاهی نیست

دفتر مطالعات پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

۲۷

مسئولیت مردم در قبال دولت اسلامی

دفتر مطالعات پژوهش‌ها

انگیزه‌سازی

مردم نسبت به حکومت اسلامی چه نقشی برعهده دارند؟ آیا حاکم اسلامی حقی بر گردن مردم دارد؟ یا فقط این مردم هستند که بر گردن حاکم حق دارند؟ محدوده وظایف مردم چیست؟ آیا مربوط به تشکیل حکومت است و یا بعد از آن نیز وظایفی متوجه آن‌هاست؟

حقیقت آن است که تجربه‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد که مردم نقشی اساسی در این راستا دارند و این مطلب نیاز چندانی به اثبات ندارد، بلکه امری بدیهی و قابل وجدان

است. لذا بیش از هر چیز باید بر روی شرح و محدوده‌ی وظایفی که مردم نسبت به آن مسئولیت دارند بیندیشیم و تحقیق کنیم.

درطول تاریخ، هرکجا حکومتی برقرارشده، نقش مردم در تشکیل و استمرارآن و یا درشکست و سقوط آن کاملاً مشهود و واضح است.

اما نسبت به حکومت اسلامی، این مسأله به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام و حکومت اسلامی مربوط می‌شود که اهمیت حرکت در راستای ایجاد و سپس استمرار و حفظ آن و همچنین کمک به رشد و ارتقای کمی و کیفی اجرای احکام و دستورات اسلامی را به عنوان یک مسئولیت مهم بر دوش مردم مسلمان قرار داده است.

همچنین توجه به حرکت‌های سیاسی و اجتماعیِ انبیاء و اولیاء الهی که در جای جای قرآن کریم و تاریخ انبیاء و مخصوصاً تاریخ اسلام ذکرشده است، اهمیتِ جایگاه و مسئولیت مردم را درایجاد و تعالی حکومت‌های الهی، بیشترواضح می‌نماید.

یکی از داستان‌های قرآنی که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، بخشی از داستان حضرت موسی علیه‌السلام است.

وقتی بنی اسرائیل بعد از سال‌ها حقارت و سختی و انتظار موفق شدند به خاطر تبعیت و همراهی با رهبرِ الهی در عصر خود، از چنگال حکومت فرعون گریخته و به آزادی برسند، می‌بینیم که عدم استمرار این حمایت و همراهی، آنها را گرفتار

مصیبت‌های مختلفی کرد. بنی اسرائیل مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتند و این مطلب برای ما در این زمان نیز درس‌آموز می‌باشد.

قصه از آنجا شروع شد که پس از آزادیِ بنی اسرائیل از فرعون، و زمانی که به سمت سرزمین موعودشان در حرکت بودند، به ایشان فرمان رسید که باید با گروهی از ظالمینِ مستقر در آن سرزمین بجنگند و خداوند نیز به آنها وعده نصرت و پیروزی داده بود، اما زمانی که فرمان جهاد را شنیدند، از اطاعت و فرمان‌بری سر باز زدند. لذا می‌بینیم در اثر این بی‌اعتنایی به دستور خداوند، بنی اسرائیل دچار دو آفت و خطر مهمی می‌شوند که حضرت علی علیه‌السلام در خطبه شقشقیه به آن اشاره کرده‌اند، یعنی سرپیچی از تبعیت کامل و مستمر از حاکم اسلامی و توجه به دنیا و راحت طلبی.[1] همین امر سبب می‌شود تا بنی اسرائیل سال‌ها دچار خفت و سختی شوند. این داستان در آیات بیست تا بیست و شش سوره مائده ذکر شده است.

از سوی دیگر، درک اهمیت این مسئولیت، علاوه بر ادلّه و جهات قرآنی و تاریخی، از لحاظ تکوینی نیز قابل توجه است.

چرا که خداوند، انسان را موجودی مختار قرار داده و در انتخاب نوع زندگی، از مسایل جزئیِ روزمره گرفته تا انتخاب دین و حتی انتخاب حاکم و سرپرست، ضمن اینکه راه صواب را به انسان معرفی کرده و او را از راه ناصواب برحذر داشته،

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳ (معروف به شقشقیه)

اما هرگز او را مجبور به امری نکرده است. لذا در قرآن کریم می فرماید:

«لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَي.»[۱]

هیچ اجباری در انتخاب دین اسلام نیست و به تحقیق راه رشد و راه صحیح، از راه بد و گمراهی بیان و جدا شده است.

و در ادامه، انسان‌ها را از قبول سرپرستی طاغوت نهی کرده و به سمت خود دعوت می‌کند. و به طور خاص به قبول سرپرستی خداوند و حکومت الهی، متوجه می‌نماید.

پس نقش اساسی، چه در شکل‌گیریِ حکومت الهی و چه در استمرار و بقای آن، به انتخاب و اختیار انسان‌ها برمی‌گردد. و تا زمانی که مردم حرکتی در این جهت نکنند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و کوتاهی آنان در این امر، باعث می‌شود تا بیشتر احکام اسلامی عملاً اجرا نشده و بر زمین باقی بمانند.

اقناع اندیشه

همانطور که گذشت میزان مسئولیت مردم، بر اساس میزان اهدافی است که اسلام برای حکومت بیان کرده است. بر همین اساس، نگاهی خواهیم داشت به سه محور مهم. ۱- ایجاد و تأسیس ۲- حفظ و استمرار ۳- ارتقاء و رشد دولت اسلامی.

۱. اصل تشکیل حکومت اسلامی:

رسیدن به هدف بعثت در سطح جامعه، که به فرموده پیامبر

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۶

اکرم ﷺ همانا شیوع کرامت اخلاق در جامعه انسانی می‌باشد،[۱] نیاز به آماده شدن مقدماتی دارد که از جمله‌ی آنها، تحقق عدالت اجتماعی بوده و در قرآن به آن تصریح شده است.

اما نکته‌ای که در این میان قابل توجه می‌باشد، آن است که تا زمانی که دولتی اسلامی بر اساس احکام و دستورات قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام برپا نشود، هیچ تضمینی برای اجرایی شدن احکام اسلامی و مخصوصاً ایجاد عدالت اجتماعی نیست. و هیچ‌گاه در پناه حکومت طاغوت نمی‌توان چنین هدفی را تحقق بخشید. بالاتر اینکه، بر سر این راه، طاغوت همیشه یک مانع اصلی می‌باشد. نمونه‌ای از یارکشی‌های حاکمیت طاغوت در برابر جبهه حق را می‌توان در آیات پایانی سوره غافر مشاهده کرد.

بر همین اساس، خداوند متعال در سوره حدید تحقق این موضوع را بر عهده مردم قرار می‌دهد.

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ.[۲]

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که

---

۱. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (مجموعه ورام، ج۱، ص۸۹)

۲. سوره حدید، آیه ۲۵

در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند، خداوند قویّ و شکست‌ناپذیر است.

نکته اول این است که خداوند می‌فرماید ما کتاب و میزان را فرستادیم، اما برپایی قسط و عدالت اجتماعی تنها وظیفه ما نیست، بلکه نیازمند یاری و نصرت مردم است و خودشان نیز باید بخواهند.

نکته دوم بحث قیام است که باید مردم حرکت کنند و این امر را مطالبه کنند و رسل الهی را یاری کنند.

اما اینکه چرا قسط را به معنای عدل تفسیر نکردیم و از آن به عدالت اجتماعی تعبیر شد، با توجه به این کلام مقام معظم رهبری فهمیده می‌شود:

«در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به عنوان هدف معین شده، عدالت اجتماعی است. «لیقوم الناس بالقسط». «قسط» با «عدل» فرق می‌کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه‌ی حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه‌ی صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن‌طور که انسان می‌فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر

می‌کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگرچه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است... اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسئله است و او تشنه‌ی آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی اینکه عدل، خُرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید. «لیقوم الناس بالقسط.» انبیا برای این آمدند.»[۱]

لذا این مردم هستند که با نصرت انبیا و اولیای الهی می‌توانند در قدم اول با تشکیل حکومت و دولت اسلامی به سمت تحقق این هدف حرکت کنند.

آنچه در این قسمت بیان شد اولین قدم و اولین وظیفه مردم در برابر دولت اسلامی است و به معنای پایان وظیفه آنها نیست.

۲. حفظ و استمرار دولت اسلامی:

در طول تاریخ موارد بسیاری مشاهده می‌شود که مردم ابتدا با شور و حرکتی بر محور حق، عدالت را طلب کرده‌اند، اما از ادامه راه باز مانده و نتوانستند دولت اسلامیِ تازه تأسیس را در تمام سختی‌ها همراهی کنند و همین کوتاهی و یا بی‌تفاوتی، سبب شکست آن حرکت و حکومت گردیده است. برای نمونه می‌توان به تنها ماندن امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امام حسن مجتبی علیه‌السلام و به مسلخ رفتن حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث سال ۱۳۷۱

اشاره کرد.

لذا دومین وظیفه مردم، حفظ و استمرار حرکت اولیه است. این وظیفه به نوعی بالاتر از وظیفه‌ی قبل می‌باشد، زیرا همیشه طاغوت‌ها در اشکال مختلف در برابر جبهه حق مبارزه می‌کنند و سعی در براندازی آن دارند.

طبق بیان قرآن، جریان حق موظف است تا در سه جبهه‌ی سیاست، فرهنگ و اقتصاد با طاغوت مبارزه کند.

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ * إِلىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ.[1]

ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم * به سوی فرعون و هامان و قارون ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!»

در این آیه، به سه فرد که نمادی از سه جبهه‌ی باطل می‌باشند، اشاره شده است. فرعون نمادی از جبهه‌ی طاغوت سیاسی؛ هامان نمادی از جبهه‌ی فرهنگی و مبارزه با فریب و تزویر، و قارون به عنوان نمادی از جبهه‌ی مبارزه‌ی اقتصادی با دنیاپرستان و صاحبان زر می‌باشد.

مرحله اول، مبارزه با طاغوت سیاسی است که با تشکیل حکومت اسلامی، انجام می‌شود، اما دو گروه دیگر که به نوعی پشتوانه طاغوت سیاسی و عامل بقای آن محسوب می‌شوند، سعی می‌کنند تا به روش‌های مختلف، با یکدیگر متحد شده

۱. سوره غافر، آیه ۲۳ و ۲۴

و دولت اسلامی را به زمین زده و به مطامع خود دست یابند. ساخت مسجد ضرار در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و شکل‌گیری مارقین و ناکثین و قاسطین در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه‌هایی از همین امر می‌باشد.

در این مرحله، باز هم مردمند که اولاً با آگاهی و بصیرت و ثانیاً با همراهی کردن حاکم اسلامی، خدعه‌ها را در اشکال گوناگونِ آن، از بین برده و در میان انبوه فتنه ها، با پشتیبانی از دولت و حاکم اسلامی، کشتی نجاتِ دولت اسلامی را از هر گونه تلاطم و یا غرق شدن نجات می‌دهند.

امام المتقین، حضرت امیرالمومنین علیه السلام در مورد همین مرحله، که حرکت به سمت نابودیِ فرعون‌های فرهنگی، اعتقادی و اقتصادی بوده و هنگامه‌ی کامل شدن و استقرار حقیقیِ دولت اسلامی است، وظیفه مردم را به این صورت بیان می‌کنند:

أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ آمُرُكُم.[1]

و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید، هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و هرگاه فرمان دادم اطاعت کنید.

وظیفه مردم در نظام جمهوری اسلامی، در این مرحله، از زبان امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) بدین صورت بیان شده است:

۱. سید رضی، نهج البلاغة (للصبحی صالحی)، ص ۷۹

«اگر آگاهی شما ملت نبود، کارها سخت می‌شد، لیکن آگاهی شماست که جلوی دشمن را گرفته است.

در کنار صبر و وفا و استقامت شما، و با کسب کمک‌ها و امدادهای الهی، همه‌ی ما هرجا هستیم، دو وظیفه‌ی سنگین را بر عهده داریم که باید آن‌ها را به بهترین وجه انجام دهیم.

وظیفه‌ی اول این است که صلابت و ابهت و عزت انقلاب را حفظ کنیم و راه امام را با قاطعیت ادامه دهیم و تسلیم باج‌خواهی‌های دشمنان اسلام و انقلاب نشویم. شرق و غرب عالم، این انقلاب را شناخته‌اند و زورگوهای دنیا هم توقعشان را از جمهوری اسلامی کم کرده‌اند. قدرت‌های استکباری باید بدانند که انقلاب ما مانند صخره است و نمی‌توان به او ضربه زد و چیزی از او کاست. ما باید این اقتدار و ابهت را حفظ کنیم. امید ملت‌های مسلمان به انقلاب و جمهوری اسلامی، به خاطر همین صلابت است.»[۱]

۳. ارتقاء و رشد دولت اسلامی:

مستحکم‌تر شدن پایه‌های دولت اسلامی و بالاتر رفتن توانِ آن در جهت ایجاد عدالت اجتماعی در سراسر دنیا، به عنوان رسالت جهانی اسلام، نیازمند حرکت سومی است که در ادامه دو وظیفه قبلی متوجه می‌شود و مردم مؤمن و انقلابی نباید

۱. بیانات در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۱۳۶۸/۴/۳

از نقش خود در این زمینه نیز غافل باشند. در غیر این صورت همیشه باید درگیر مشکلاتی باشیم که عوامل بیگانه برای ما ایجاد می‌کنند و طمع آنها هیچ‌گاه قطع نمی‌شود.

قرآن کریم حرف اول و آخر را در این آیه فرموده است:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللهُ يَعْلَمُهُم.[1]

و آماده کنید برای (کارزار با) ایشان هر چه را می‌توانید از نیرو و از اسبان بسته شده که بترسانید با آن دشمن خدا و دشمن خود را و دیگران را از غیر ایشان که شما آنان را نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد.

یکی از تلاش‌های مستمر رهبر انقلاب از ابتدای دوران رهبری، توجه دادن مردم به این امر و ایجاد روح امید و نشاط در میان آن‌ها و برای حرکت در این زمینه و رسیدن به آینده روشن است.

ایشان در ادامه بیانات قبلی می‌فرمایند:

«... وظیفه‌ی دوم، توجه به سازندگی و آبادانی کشور است. اگر ما نتوانیم کشور خود را بسازیم، ملت‌های مسلمان از ما مأیوس می‌شوند و دشمنان نیز نسبت به ما جری خواهند شد. بدگوها خواهند گفت این‌ها نتوانستند کشورشان را بسازند و آباد کنند. ما وظیفه داریم برای آبادانی کشور تلاش کنیم و سازندگی را در همه‌ی ابعاد طبیعت و شهرها و روستاها و اقتصاد

۱. سوره انفال، آیه ۶۰

و صنعت و کشاورزی و اشتغال و غیره محقق سازیم. همچنین وظیفه داریم فقر و محرومیت را در کشور از بین ببریم و به زندگی این قشر بیشتر رسیدگی کنیم. این، وظیفه‌ی ما و وصیت امام رحمه‌الله علیه است.

سازندگی باید در تمام ابعاد مادّی و معنوی آن صورت گیرد. هم باید چرخ‌های اقتصاد به حرکت درآید، و هم باید روحیه‌ی معنوی و اخلاق و رابطه‌ی با خدا در ما تقویت شود. همه‌ی ما در قبال این وظیفه‌ی بزرگ مسئولیم. از من که به عنوان یک طلبه در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی دارم، تا علما و دانشگاهیان و کارگران و کشاورزان و شهری و روستایی و کارمند و بازاری و هرکس که می‌تواند در راه این سازندگی بزرگ کوشش کند، باید نهایت تلاش خود را انجام دهیم. خوشبختانه مسئولان کشور مشغولند. کمک و حمایت مردم هم بایستی دائماً پشتوانه‌ی کار آن‌ها باشد.»[۱]

رفتارسازی

در عصر کنونی، بعد از قیام مردمِ ایران و ظهور انقلاب اسلامی، یک بار دیگر بعد از حکومت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و أمیرالمومنین علیه‌السلام در کشور ایران پرچم دولت اسلامی بر پایه کلام خداوند متعال و دستورات اهل بیت عصمت و طهارت، برافراشته شد و مردم

۱. بیانات در مراسم بیعت گروهی از رزمندگان سپاه پاسداران و روحانیون شهرهای خمین، دامغان و گناباد، ۱۳۶۸/۴/۳

نقش خود را در مرحله اول به خوبی انجام دادند و در مرحله دوم در طول این سی و چند سال نیز در راه استمرار این حرکت کوششی فراوان نموده و از این به بعد نیز به امید خدا تلاششان ادامه خواهد داشت.

آنچه به عنوان وظیفه‌ی امروزِ مردم بیشتر خودنمایی می‌کند، تقویت مرحله سومِ وظایف مردم در برابر حکومت اسلامی می‌باشد تا کشورمان بتواند به استقلال حقیقی در همه‌ی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و علمی دست یابد.

آنچه امروزه رهبر انقلاب در قالب اقتصاد مقاومتی و تقویت توان تولید داخلی و خرید محصول ایرانی و حمایت از کارگر ایرانی بیان می‌کنند، یکی از همین وظایف است که در کنار تقویت رشد علمی و نظامی و غیره، باید مورد توجه جدی مردم قرار بگیرد.

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) می‌فرمایند:

«وظیفه‌ی ما این است که حفاظت و سلامت انقلاب و رشد روزافزون نظام جمهوری اسلامی و ریشه دواندن هرچه بیشتر این نظام را، با کار مخلصانه و وحدت کلمه و داشتن ارتباط و پیوند قلبی با خدا و اتکای به نفس تضمین کنیم. با این روش، ما تا ده‌ها سال دیگر، به فضل پروردگار خواهیم توانست انقلاب را به پیش ببریم.»[۱]

خداوند متعال می‌فرماید:

۱. بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۵

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذی يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.[۱]

اگر خدا شما را یاری کند، محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری واگذارد، آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری کند؟ و اهل ایمان تنها به خدا (و قدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند.

بی شک نصرت و یاری الهی، در صورتی شامل ما خواهد شد که در این مرحله نیز با یاری نظام اسلامی که همان یاری جبهه حق و یاری خداوند متعال و اولیای اوست، عزم راسخ خود را اعلام کنیم. و از سوی دیگر، همانطور که در آیه مبارک آمده است، کوتاهی های ما نتیجه‌ای جز خذلان و خواری را به همراه نخواهد داشت. لذا خداوند در سوره‌ی محمد، یاری از ناحیه‌ی ربوبی خویش را مشروط به حرکت اولیه‌ی مردم در یاری خدا می‌نماید:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدامَكُمْ.[۲]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر دین خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری کرده، و قدم‌هایتان را ثابت می‌کند.

و امروزه شکی نیست که سرنوشت حکومت اسلامی ایران، ارتباط تنگاتنگی با آبرو و عزت اسلام و مسلمین و مخصوصاً شیعیان امیرالمومنین علیه‌السلام پیدا کرده است، که همین امر

۱. سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۰
۲. سوره محمد، آیه ۷

وظیفه و مسئولیت مردم را در تبعیت از حاکم اسلامی و رهبری معظم انقلاب سنگین‌تر می‌کند، تا خدای ناکرده به سرنوشت کوفیان دچار نشویم و در میانه راه، امام خویش را تنها نگذاریم.

امیرالمومنین علی علیه‌السلام در خطبه معروف به شقشقیه، درباره تنها ماندن خود در نیمه راه می‌فرمایند:

«روز بیعت، فراوانیِ مردم چون یال‌های پُرپشت کفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آن که نزدیک بود حسن و حسین علیهماالسلام لگد مال گردند، و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گلّه‌هایِ انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. امّا آنگاه که به پاخاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند و گروهی از اطاعتِ من سرباز زده و از دین خارج شدند، و برخی از اطاعت حق سر برتافتند، گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است.» آری! به خدا آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، امّا دنیا در دیده‌ی آنها زیبا نمود، و زیور آن چشم‌هایشان را خیره کرد.»[1]

پرورش احساس

از کلام امیر المؤمنین علیه‌السلام برمی‌آید که علت این تنهایی، دلبسته شدنِ مردم به دنیا و زیورهای آن و غفلت از وظیفه‌ی

۱. نهج البلاغة، ترجمه دشتی ص: ۴۷

خود در برابر دولت اسلامی بوده است. قرآن نیز در همین راستا با نهی بسیار شدید، انسان‌ها را از این روحیه و رفتار برحذر داشته و می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كانَ آباؤُكُمْ وَ أَبْناؤُكُمْ وَ إِخْوانُكُمْ وَ أَزْواجُكُمْ وَ عَشيرَتُكُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسادَها وَ مَساكِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللهُ بِأَمْرِهِ وَ اللهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقينَ.[1]

بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و خویش شما و اموالی که بدست آورده‌اید و تجارتی که از کساد آن می‌هراسید و مسکن‌هایی که بدان علاقمندید در نظر شما محبوب‌تر است از خدا و رسول او و جهاد در راه او، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خود را بیاورد، و خدا مردم تبه‌کار را هدایت نمی‌کند.

آری! امروز هر نوع کوتاهیِ مردم در برابر ولیّ امرشان و نسبت به دولت اسلامی می‌تواند، خاطرات تلخ دوران امیرالمومنین علیه‌السلام و فرزندانش را زنده کند.

امروز دشمنان ما کاملاً هوشیارند و چشم همه‌ی آنها در انتظار غفلت‌های ماست. به فرمایش مقام معظم رهبری: «وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ»؛ اگر تو خوابت برد، بدان دشمنت بیدار است.[2]

همانطور که یاری رساندن به حاکم اسلام و دولت اسلامی

---

۱. سوره توبه، آیه ۲۴

۲. بیانات در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۵

ثمرات زیبای مدینه النبی و دوران کوتاه اوایل حکومت امیرالمومنین علیه‌السلام را به نمایش گذاشت، در مقابل می‌بینیم نتیجه کوتاهی‌های مردم نیز از همان ابتدای دورانِ پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آشکار شده و به فساد علنی در حکومت عثمان و معاویه و تبدیل هویت حکومت اسلامی به نظام موروثیِ خاندانی و شاهنشاهی منتهی شد و همین نقص سبب گردید تا امیر المؤمنین علیه‌السلام از خداوند خلاصی از دست کوفیان را طلب کند.[1] و امام حسن علیه‌السلام تن به صلح دهد. و ثمره‌اش این شد که پس از آن مجبور شدند بیست سال تحت ظلم شدید معاویه زندگی کنند و ثمره‌ی تنها گذاشتن حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام فاجعه حرّه و آتش سوزی کعبه شد که همه این‌ها مستقیماً مربوط به غفلت، دنیاطلبی و ضعف مردم در انجام وظایفشان در برابر حکومت اسلامی، در جنبه‌های مختلف بود.

مناجات

همه رفتند، گدا باز گدا مانده هنوز
شب عید است و خدا عیدی ما مانده هنوز
دهه‌ی آخرِ ماه، اول راه سحر است
بعد از این زود نخوابیم، دعا مانده هنوز
عیب چشم است اگر اشک ندارد، ورنه
سر این سفره‌ی تو حال و هوا مانده هنوز

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۵

کار ما نیست به معراج تقرّب برسیم
یا علیّ دگری تا به خدا مانده هنوز

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۸

انسجام دولت و ملت عامل تحقق اقتصاد مقاومتی

دفتر مطالعات پژوهش‌ها
وارتباطات حوزوی

انگیزه‌سازی

با این که مدینه شهری مساعد برای کشاورزی بود، لیکن وضع زراعت مردم در آن، پیش از هجرت چندان خوب نبود و محصولاتشان آنان را کفایت نمی‌کرد، به طوری که مجبور بودند بقیه نیازمندی‌های خود را از مناطق دیگری مانند شام وارد کنند. بهترین و پربارترین زمین‌ها بیشتر در دست یهودی‌ها قرار داشت.[۱] به این جهت ثروتمندان، و به ویژه ثروتمندان یهود، از این وضع سوء استفاده کرده و به فقیران

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج۱، ص۴۴۶

و صاحبان زمین‌های اندک، قرض می‌دادند و در مقابل رهن می‌گرفتند و آنان مجبور می‌شدند خرما و انگور خود را روی درخت و محصول جو و گندمشان را قبل از رسیدن بفروشند. بنابراین فاصله فقیر و غنی زیادتر شده و گاهی صاحب زمینِ کم مجبور می‌شد در مقابل بدهی خود از زمینش دست بردارد و آن را به طلبکارش واگذار نماید. این مسائل باعث حقد و کینه میان مردم می‌شد و گاهی به درگیری و قطع درختان و خراب کردن مزرعه‌ها منجر شده و سرانجام سبب می‌شد که ضربه اقتصادی به مدینه وارد شود. بدین جهت هنگامی که مهاجرین به مدینه آمدند و در خانه‌های انصار سکنی گزیدند و مخارجشان بر آنان تحمیل شد، انصار در فشار شدید قرار گرفتند، در حالی که تعداد مهاجران از صد خانوار تجاوز نمی‌کرد.[1]

این وضع به سبب منازعاتی بود که سالیان متمادی در میان انصار وجود داشته و امنیت و آسایش را از آن‌ها ربوده و از پرداختن به زراعت بازداشته بود و تنها در داخل شهر در کنار خانه‌های خود کشاورزی می‌کردند و مایل به زراعت در خارج از شهر نبودند. ولی یهودی‌ها از موقعیت‌ها خوب استفاده کرده، ثروتمند شده بودند و با بهره‌ی بالا به انصار قرض می‌دادند.

پس از هجرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کشاورزی در مدینه رونق گرفت و به خاطر وجود آب، مزارع و باغ‌ها وسعت پیدا کرده و در اطراف شهر باغ‌های زیادی ایجاد شد، به طوری که شهر در محاصره

۱. دکتر جواد علی، المفصّل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج۷، ص۴۳۳

باغ‌ها و درختان قرار گرفت[۱] و وادی‌های آن آباد شدند. بعضی از مهاجران نیز به کشاورزی روی آورده و چاه‌هایی برای خود کندند و باغ‌ها به وجود آوردند و بر اطراف آن دیوار ساختند و محصولات قابل ملاحظه‌ای برداشت می‌نمودند. اگر فتوحات اسلامی نبود که باعث شد تا مسلمانان به ممالک فتح شده جلب شوند، یثرب یک‌پارچه باغ و بستان و مزرعه می‌گشت و حتی می‌توانست نیاز غذایی مناطق دیگر را نیز تأمین کند.

اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیرون از مدینه به کشاورزی و زراعت پرداختند؛ به ویژه در وادی عقیق که مکانی پُرآب و سرسبز بود. در این محل، اصحاب چاه‌های زیادی کندند و باغ‌ها و نخلستان‌ها به وجود آوردند. قسمت زیادی از این وادی در دست علی علیه‌السلام بوده و در آن چاه‌هایی حفر نموده بودند که در جای مسجد شجره کنونی قرار داشته و معروف به «مسجد آبیار» یا «آبار علی» بوده است.[۲]

در منطقه «جرف» و همچنین در قسمت شرقی شهر مدینه نیز مزارعی به دست صحابه ایجاد شده بود. همچنین طلحة بن عبید در وادی قنات، مزرعه‌ی گندم به وجود آورده بود و با بیست شتر، از آب چاه آن را آبیاری می‌کرد.[۳]

---

۱. همان منبع، ص۳۱۴

۲. سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، تحقیق: محمد محی الدین عبدالحمید، ج۳، ص۱۳۰۷ و ۱۰۶۸

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج۳، ص۲۲۲

هر کس زمینی از زمین‌های موات را آباد می‌کرد از آنِ او می‌شد. از طرفی دیگر، پیامبر ﷺ زمین‌های موات و زمین‌های فتح شده و مناطقی را که انصار به آن حضرت می‌بخشیدند به صورت اقطاع[۱] در اختیار مهاجران قرار می‌داد تا آنجا را آباد کنند؛ غالباً زمین‌هایی را که پیامبر اقطاع می‌داد، زمین‌های موات بودند.[۲]

بعد از کوچ دادنِ بنی‌نضیر، زمین‌ها و باغات آنجا چون بدون جنگ فتح شده بود، ملک شخصیِ پیامبر ﷺ گردید و آن حضرت نیز آن را میان مهاجران و دو نفر از انصار تقسیم کرد. مهاجران در مناطقی چون «غابة» نیز دارای زمین شدند و درختانِ آن را قطع کرده و زمینش را اصلاح نمودند و نخل و گندم کاشتند.[۳]

و به این‌گونه، مسلمانان در صدر اسلام با پیروی از حاکم عادل خویش، یعنی رسول مکرم اسلام ﷺ دارای اقتصادی مقاوم و بی‌نیاز از مشرکین و یهودیان شدند.

اقناع اندیشه

اقتصاد مقاومتی یکی از ملزومات حکومت اسلامی است. برای درک بهتر لزوم اقتصاد مقاومتی ابتدا به قرآن کریم

---

۱. این که حاکم قطعه‌ای از زمین را در اختیار شخصی بگذارد تا آن را آباد کند.

۲. دکتر نجمان یاسین، تطور الأوضاع الاقتصادیه فی عصر الرساله والراشدین، ص ۱۴۵

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۲

مراجعه می‌نماییم. با مراجعه به کلام خداوند درمی‌یابیم که مسلمانان به هیچ وجه نباید خود را وابسته به غیر مسلمانان و کفار قرار دهند و در صورت فقدانِ راه جایگزین، باید احتیاج مسلمین به کفار به حداقل برسد زیرا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

لَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلاً.[۱]

خداوند هرگز بر [زیانِ] مؤمنان، برای کافران راه [تسلّطی] قرار نداده است.

همچنین رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

الْإِسْلَامُ یَعْلُوَ وَلَا یُعْلَی عَلَیْه.[۲]

اسلام همچنان به برتری می‌رود، و هیچ دینی بر آن برتر نمی‌شود.

فلذا وظیفه مسلمانان در جوامع اسلامی از جمله کشور ما، قطع نیاز از بیگانگان است و این قطع نیاز فقط با اقتصاد مقاومتی میسر می‌گردد.

برای قدم برداشتن در مسیر اقتصاد مقاومتی و ایجاد انسجام بین دولت و ملت در این مسیر، ابتدا باید تعریف مشخصی از این نوع اقتصاد داشته باشیم. رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) این نوع اقتصاد را این‌گونه معرفی کردند و شرایط آن را بدین صورت تبیین فرمودند:

---

۱. النساء، آیه ۱۴۱

۲. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۳۴

۱. دارای یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است، امّا منحصر به کشور ما هم نیست.

۲. درون‌زا و برون‌گرا است اما درون‌گرا نیست.

۳. مردم‌بنیاد

۴. دانش‌بنیان

۵. عدالت‌محور

۶. همیشه بارور خواهد بود و به مردم کمک خواهد کرد.[۱]

بر طبق این الگوی اقتصادی، نیاز کشور اسلامی ما به کشورهای غیرمسلمان به حداقل رسیده و حتی در صورت نیاز به آن‌ها، باز هم دست برتری با کشور مسلمانِ ماست، چرا که نیاز آن‌ها به ما بیشتر از نیاز ما به آن‌ها خواهد بود. لذا این‌گونه دستور قرآن کریم مبنی بر قدرتمند بودن و عدم ضعف در مقابل کفار و ایجاد ترس در دل‌های آنان عملی می‌شود که فرمود: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَ عَدُوَّكُمْ»[۲] «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌هایِ آماده، بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد- بترسانید».

در این زمینه باید دقت نمود که یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، تقویت و استفاده از تولیدات داخلی است و وظیفه

---

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام مورخ ۱۳۹۳/۱/۱

۲. الأنفال، آیه ۶۰

دولت و ملت این است که با وحدت و انسجام از خرید کالاهای خارجی اجتناب نمایند. در این زمینه رهبر معظم انقلاب (حفظه الله تعالی) در بیان الزامات اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند:

۱. مسئولان باید از تولید ملّی حمایت کنند.

۲. صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، باید به تولید ملّی اهمّیّت بدهند.

۳. صاحبان سرمایه در کشور، فعّالیّت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعّالیّت‌های دیگر.

۴. مردم در همه‌ی سطوح، تولید ملّی را ترویج کنند.[۱]

در روایات نیز به استفاده نکردن از تولیدات بیگانگان توصیه شده است. از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در زمانی که مردمِ ایران هنوز به دین اسلام مشرف نشده بودند نقل شده است:

أَنَّ عَلِيّاً علیه‌السلام كَانَ لَا يُنْخَلُ لَهُ الدَّقِيقُ وَ كَانَ عَلِيٌّ علیه‌السلام يَقُولُ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللهُ بِالذُّلِّ.

برای علی علیه‌السلام آرد را أَلک نمی‌کردند و علی علیه‌السلام می‌فرمود: «کار این امّت به خیر است تا آن زمان که لباس عجم (اشراف غیرعرب) نپوشند و خوراک‌های عجم نخورند؛ و چون چنین کنند، خدا آنان را خوار می‌کند».

همچنین وارد شده است:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام مورخ ۱۳۹۳/۱/۱

أَعْدَائِی وَ لَا تَسْلُکُوا مَسَالِکَ أَعْدَائِی فَتَکُونُوا أَعْدَائِی کَمَا هُمْ أَعْدَائِی.[۱]

رسول خدا ﷺ فرمودند: لباس دشمنان مرا به تن نکنید، و طعام دشمنان مرا نخورید، و راه دشمنان مرا نپیمائید، زیرا که در این صورت جزء دشمنان من محسوب می‌شوید، چنان که آنان دشمنان منند.

فلذا به نظر می‌رسد استفاده از اجناس خارجی که ساخته‌ی دست دشمنان اسلام و مستکبرینِ عالم باشد، از نظر اسلام مردود است؛ خصوصاً اینکه دشمنان اسلام نه‌تنها با فروش اجناسشان به ما، منفعت اقتصادی می‌برند و قدرتشان در مقابله با اسلام بیشتر می‌شود بلکه زندگی ما را نیز شبیه زندگی خودشان می‌نمایند و با وارد کردن وسایلی با مدل‌های غیر اسلامی، سعی در نفوذ فرهنگی و استحاله فرهنگ اسلامی کشور ما را دارند و این مطلبی است که نه خداوند متعال آن را می‌پسندد و نه رسول او.

از طرف دیگر، وظیفه یک انسان مسلمان این است که همواره در فکر تقویت مسلمین باشد و برای حل مشکلات جامعه اسلامی و مسلمانان تلاش نماید. چنانکه نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند:

مَنْ أَصْبَحَ لَا یَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِی یَا لَلْمُسْلِمِینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ.

هر که صبح کند و اهتمامی به امور مسلمانان نداشته باشد،

---

۱. محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج۲، ص: ۲۳

از مسلمانان نیست، و هر که بشنود مردی به مسلمانان استغاثه کند و از آن‌ها فریادرسی خواهد و او را پاسخ نگوید و به داد او نرسد، مسلمان نیست.

پس از مشخص شدن لزوم اجرای اقتصاد مقاومتی و تلاش برای تحقق الزامات آن، تذکر این نکته لازم است که اجرای این مسائل فقط با اتحاد دولت و ملت و شکل گرفتن بسیج عمومی برای تحقق این برنامه امکان‌پذیر است.

خداوند متعال نیز در قرآن کریم، مسلمین را از تفرقه نهی فرموده است و اعلام می‌کند: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا»[1] «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید.»

البته در قرآن کریم آیات دیگری نیز درباره وحدت و انسجام جامعه اسلامی آمده است که از اهمیت این مطلب در پیشگاه خداوند متعال پرده برمی‌دارد، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَطِیعُوا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیحُکُمْ»[2] «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سُست شوید و مهابت شما از بین برود.»

فلذا طبق این دستور قرآن کریم، در یک کشور اسلامی و در بین مردم مسلمان نباید اختلاف و تفرقه باشد؛ چرا که نتیجه‌اش سستی و از بین رفتن هیبت جامعه اسلامی در برابر

---

۱. آل عمران، آیه ۱۰۳

۲. الأنفال، آیه ۴۶

بیگانگان و نیز عدم امکان اجرای سیاست‌های صحیح در جامعه خواهد بود.

با توجه به توضیحات فوق، دولت و ملت تنها با حرکتی عمومی و تلاشی مستمر است که می‌توانند الزامات اقتصاد مقاومتی را محقق نمایند و نیاز کشور اسلامی‌مان را به خارج از کشور قطع و یا به حداقل برسانند و هیبت و قدرت میهن اسلامی‌مان را در برابر مستکبرین و دشمنان خداوند حفظ نمایند.

رفتارسازی

یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف است. در این زمینه مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) می‌فرمایند:

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است.»[۱]

همچنین ایشان درباره مدیریت مصرف می‌فرمایند:

«مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است.»[۲]

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۹۱/۶/۲
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳

فلذا پرهیز از اسراف و زیاده‌روی برای مسئولین و آحاد جامعه لازم و ضروری می‌باشد. قرآن کریم نیز درباره اسراف به شدت واکنش نشان داده و می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطِينِ وَ كانَ الشَّيْطانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً»[1] «همانا اسراف‌کاران برادران شیطان‌هایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.»

البته در تشخیص مصادیق اسراف نیز باید دقت نمود. از امام صادق علیه‌السلام درباره تشخیص مصداق اسراف و نیز تشخیص اعتدال در مخارج حتی انفاق، این‌گونه نقل شده است:

امام صادق علیه‌السلام هنگامی که این آیه را تلاوت فرمود: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَالِكَ قَوَامًا»[2] «و آنان که چون انفاق می‌کنند زیاده روی نمی‌کنند و بخل هم نمی‌ورزند و میان این دو، حدّ وسط را نگه می‌دارند.» مشتی سنگریزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود: «این همان سختی‌گری و خسّتی است که خداوند (عزّوجلّ) در کتاب خود فرموده.» آن‌گاه مشتی دیگر برداشت و همه آن‌ها را ریخت و فرمود: «این اسراف است.» سپس مشتی دیگر برداشت و قسمتی از آن را ریخت و مقداری را نگه داشت و فرمود: «این حدّ وسط است.»[3]

---

۱. الإسراء، آیه ۲۷

۲. الفرقان، آیه ۶۷

۳. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - دارالحدیث)، ج۷، ص: ۳۴۵

البته با توجه به اینکه درباره اسراف و تبذیر زیاد صحبت شده است، بیش از این در مذمت اسراف سخن نمی‌گوییم.

پرورش احساس

بزرگان این سرزمین، سال‌ها پیش از آنکه نامی از سال حمایت از تولید ملی و یا بحث اقتصاد مقاومتی باشد، ضرورت استفاده از کالاهای تولید داخل را دریافته بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی رحمه‌الله از نمونه همین مردان خدای‌گونه است که داستان نرفتنش به حج به خاطر عدم استطاعت مالی زبان‌زد خاص و عام ایرانیان و حتی غیرایرانیان شده است.

این روحانی بزرگوار، درباره لباسش می‌گفت: از روزی که من خود را شناختم، یک ذره لباس خارجی مصرف نکردم.

ایشان هر چه لباس می‌پوشید، ساخت داخل بود، روزی خیاطشان گفته بود: آقا دکمه‌ای که ما می‌گذاریم از خارج می‌آید، و ایشان در پاسخ تأکید کرده بود که اگر کالایی غیر ایرانی است استفاده نکنید، به جایش از همین قیتان‌هایی که ساخت ایران هست، دکمه درست کنید تا دکمه آن هم خارجی نباشد.

در حدود یک قرن پیش نیز جمعی از علمای اصفهان اعلامیه‌ای را منتشر کرده و اعلام کردند که فقط از محصولات داخلی استفاده می‌نمایند و بدین‌صورت از اقتصاد داخلی حمایت نمودند. متن اعلامیه ایشان چنین بود:

«بعد از تسبیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی

جناب رکن الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما امکن (تا حد امکان) بعد ذلک تخلف ننمائیم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالجات و احکام شرعیه، از شنبه (۱۴ جمادی الاول) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شد، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضاء نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیرایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، لیکن ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم، برآن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوة برآن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما امکن هر چه بدلی آن در ایران یافت نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم، حتی‌المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک. و متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعا: میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و

یک افشره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نمائیم، هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ما‌ها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم. زیرا که آیات باهره (ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین[۱] - و لا تسرفوا ان الله لا یحب المسرفین[۲] - و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه[۳]) و حدیث: (لا ضرر و لا ضرار[۴]). ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عِرضی و شغلیِ آن محسوس و مُسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگیریم.

امضای آقایان کرام و علماء فخام کثرالله امثالهم:

۱. ثقة الاسلام آقای حاج‌آقا نورالله. ۲. حسین بن جعفر الفشارکی، ۳. حجة الاسلام آقانجفی، ۴. شیخ مرتضی اژه، ۵. آقا میرزا محمدتقی مدرس، ۶. حاجی سید محمد باقر بروجردی، ۷. آقا میرزا علی محمد، ۸. حاجی میرزا محمد مهدی جویباره، ۹. سید ابوالقاسم دهکردی، ۱۰. حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، ۱۱. آقا محمد جواد قزوینی، ۱۲. سید محمد

---

۱. الإسراء، آیه ۲۷

۲. الأنعام، آیه ۱۴۱

۳. البقره، آیه ۱۹۵

۴. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۵، ص: ۲۹۳

رضا شهیر به آقا میرزای مسجدشاهی، ۱۳ . حاجی آقا حسین بیدآبادی.[۱]

دفتر مطالعات پژوهش‌ها و ارتباطات حوزوی

۱. به نقل از سایت تبیان

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

۲۹

همدلی دولت و ملت عامل دفع تهدیدهای داخلی و خارجی

دفتر مطالعات پژوهش ها و اطلاعات حوزوی

انگیزه‌سازی

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره همدلی میان دولت و ملت می‌فرمایند:

«آن‌گاه خداوند از حقوق خود، حقوقی را بر بعض مردم نسبت به بعض دیگر واجب گرداند و آن حقوق را در جهات و حالات با هم برابر قرارداد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقّی که در برابر آن است؛ و بزرگترین چیزی که از این حقوق واجب فرمود حقّ حاکم بر رعیت، و حقّ رعیت بر حاکم است.

این فریضه‌ای است که خداوند برای هر یک نسبت به دیگری واجب نموده و این حقوق را موجب برقراری الفت و ارجمندی دینشان قرار داد. رعیت اصلاح نشود مگر به صلاح حاکمان، و حاکمان اصلاح نگردند مگر به استقامت رعیت. پس زمانی که رعیت حقّ والی را اداء کرد و والی هم حقّ رعیت را رعایت نمود، حق میان ایشان ارجمند گردد و راه‌های دین بر پا شود و نشانه‌های عدالت، اعتدال گیرد و سنّت‌ها در مجرای خود روان شود و زمان، آراسته و شایسته گردد و به دوام دولت، امید رود و مطامع دشمنان به یأس مبدّل گردد. ولی اگر رعیت بر والی غالب شود یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پیدا شود و نشانه‌های ستم آشکار گردد و افساد و اختلال در دین زیاد شود و راه‌های روشن سنّت‌ها رها گردد و از روی هوای نفس عمل شود و اجرای احکام رو به تعطیلی رود و بیماری روان‌ها زیاد شود؛ در آن وقت مردم از تعطیل حقّ عظیم نترسند و بر انجام گرفتن باطل بزرگ وحشت نکنند. به آن هنگام است که نیکوکاران خوار، و بدکاران عزیز شوند و کیفر خداوند نزد بندگان بزرگ گردد.

پس بر شما باد به خیرخواهی در حقّ یکدیگر و کمکِ نیکوی یکدیگر بر این کار، زیرا اگر کسی، هر چند برای به دست آوردن رضای خدا حرصش شدید، و کوشش او در بندگی طولانی گردد، ولی باز هم قدرت نخواهد داشت تا حق طاعت خدا را چنان که هست ادا کند؛ لکن از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان این

است که به اندازه طاقت خود به خیرخواهی یکدیگر برخیزند و در کمک به هم برای اقامه حق در بین خود اقدام کنند؛ و هر چند کسی، منزلتش در حق عظیم بوده و فضیلتش در دین بر دیگران پیشی داشته باشد، چنان نیست که در ادای حقّی که خدا بر او واجب کرده محتاج به کمک نباشد و هر چند کسی را کوچک شمارند، و در دیده حقیر بینند، کمتر از آن نیست که در ادای حق به دیگران کمک کند و یا از سوی دیگران کمک شود.»[۱]

اقناع اندیشه

یکی از کارهای مهمی که برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی باید انجام گیرد، حفظ وحدت و همدلی بین مردم و مسئولین است. قرآن کریم درباره حفظ وحدت و همدلی می فرماید:

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها.[۲]

نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و اُلفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص: ۳۳۳
۲. آل عمران، آیه ۱۰۳

شدید، و برلب گودالی ازآتش بودید، ولی شما را ازآن نجات داد.

واضح است که مقابله با دشمنان اسلام، بدون همدلی و همکاری میان آحاد مردم و مسئولین امکان‌پذیر نیست و این همکاری نشانه ایمان و تدین افراد جامعه است، چنانچه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

طَلَبُ التَّعاوُنِ عَلی إقامَةِ الحَقِّ دِیانَةٌ و أمانَةٌ.[۱]

درخواست همکاری برای برپا کردن حق، نشانه دیانت و امانت [داری] است.

و نیز خداوند متعال در قرآن کریم فرمان می‌دهد:

تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ شَدیدُ الْعِقاب.[۲]

یکدیگر را برانجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.

عمومیت این فرمان، همکاری در جهت تحقق اهداف اسلام و پرهیز از اختلاف را نیز شامل می‌شود.

همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیه‌ای أکید نسبت به همدلی و همکاری فرمان داده و می‌فرمایند:

لَا تَخْتَانُوا وُلَاتَكُمْ وَ لَا تَغُشُّوا هُدَاتَكُمْ وَ لَا تَجْهَلُوا أَئِمَّتَكُمْ وَ لَا تَصَدَّعُوا عَنْ حَبْلِكُمْ فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ[۳] وَ عَلَى هَذَا فَلْيَكُنْ

---

۱. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص: ۳۱۹

۲. المائده، آیه ۲

۳. الأنفال، آیه ۴۶

تَأْسِيسُ أُمُورِكُمْ وَالْزَمُوا هَذِهِ الطَّرِيقَةَ فَإِنَّكُمْ لَوْ عَايَنْتُمْ مَا عَايَنَ مَنْ قَدْ مَاتَ مِنْكُمْ مِمَّنْ خَالَفَ مَا قَدْ تُدْعَوْنَ إِلَيْهِ لَبَدَرْتُمْ وَخَرَجْتُمْ وَلَسَمِعْتُمْ وَلَكِنْ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَقَرِيباً مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ.[1]

با والیان خود خیانت نورزید و با رهبران خود دغلی نکنید و پیشوایان خود را نادان نخوانید و از رشته پیوند خود (جماعت مسلمین) پراکنده مشوید که سست شوید و شوکت و دولت شما برود. پایه کارهای شما باید روی این مبنی باشد و ملازم این روش باشید، زیرا اگر شما مشاهده می‌کردید آنچه را مردگان از شما که مخالف دعوت شما بودند، مشاهده کرده‌اند، شما هم شتاب می‌کردید و بیرون می‌آمدید و فرمان می بردید (یعنی مردمِ پیش از شما را به جهاد و اطاعت دعوت کردند، ولی آنها مخالفت کردند و اکنون عذاب خدا را مشاهده می‌کنند، شما هم اگر آن عذاب را مشاهده کنید، به سوی جهاد می‌شتابید و فرمان می‌برید.) ولی آنچه را آن‌ها مشاهده کردند، از شما پوشیده شده و به زودی پرده برداشته شود. (و شما هم عذاب را مشاهده کنید.)

همچنین امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در ضمن توصیه به اتحاد و همدلی، نتیجه تفرقه را این‌گونه تبیین می نمایند:

الْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ.[2]

---

۱. محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۱، ص: ۴۰۵

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص: ۱۸۴

با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است، و از تفرقه و جدایی بپرهیزید، که جدا افتاده از مردم، بهره‌ی شیطان است، چنان که گوسفندِ دور مانده از گله، نصیب گرگ است.

آری! بدون اتحاد و همکاری و همدلی، دشمنان اسلام بر ما غالب خواهند بود و مؤمنین قادر به دفع تهدیدات از جان و مال و عِرض خویش نخواهند شد.

رفتارسازی

امام علی علیه‌السلام پس از برشمردن حقوق مردم و دولت بر گردن یکدیگر، درباره نوع رفتار بین ایشان به عنوان حاکم جامعه و مردم تذکر می‌دهند و می‌فرمایند:

«مرا به خاطر آنکه نفس خود را برای خدا و خدمت به شما به کار گرفته‌ام و هنوز از ادای کامل آن حقوق فارغ نشده‌ام و واجباتی که چاره‌ای جز انجام آن‌ها ندارم ثنا نگویید. پس با من چنانکه با سرکشان سخن می‌گویند سخن مگویید و آنچه را در برابر مردم خشمگین پنهان می‌کنند از من پنهان مدارید و با مدارا و چاپلوسی با من معاشرت ننمایید و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست دارم، زیرا آن که اگر سخن حق به او گفته شود یا عدالت به او پیشنهاد گردد بر او سنگین آید، عمل به حق و عدل بر او دشوارتر است. بنابراین از حق‌گویی یا مشورت به عدل خودداری نکنید که من در نظر خود نه بالاتر از

آنم که خطا کنم و نه در کارم از اشتباه ایمنم مگر اینکه خداوند مرا از نفسم کفایت کند. نفسی که خداوند از من به آن مالک‌تر است، زیرا من و شما بندگانی در اختیار پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. او مالک و صاحب آن چیزی از ماست که ما مالک آن نیستیم و ما را از آنچه در آن بودیم بیرون آورده و به آنچه صلاح ما بود داخل کرد؛ هدایت را عوض گمراهی، و بینایی را بعد از کوردلی به ما عنایت فرمود.»[۱]

پرورش احساس

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) به عنوان ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی، درباره رابطه دولت و ملت این‌گونه می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، اسلام از همه افراد با هر سلیقه اجتماعی، انسجام و هم‌افزایی را می‌خواهد. دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند و حتّی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرفِ حقیقی و لُبّ معنای انسجام اجتماعی و ملّی در کشور اسلامی ما است.

امروز وظیفه‌ی همه‌ی آحاد ملّت این است که از مسئولین کشور حمایت کنند و به مسئولین دولتی کمک کنند. این مخصوص این دولت نیست، مربوط به همه‌ی دولت‌ها است.»[۲]

ایشان همچنین درباره همدلی بین دولت و ملت و رفتار دولت

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص: ۳۳۵

۲. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

با منتقدین می‌فرمایند:

«هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور در سه قوّه، این را تأکید می‌کنم که آن‌ها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آن‌ها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آن‌ها را تحقیر نکنند، به آن‌ها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است.

مردم و منتقدین هم اگرچه حق نظارت و پیگیری مسائل کشور را دارند اما این مسئله نباید باعث تخریب و متهم کردن مسئولین شود و نیز نباید به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات باشد.»[۱]

همچنین حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) درباره دفع تهدیدات خارجی می‌فرمایند:

«مهمترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است. ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن احتیاج به بمب اتمی و سلاح هسته‌ای ندارد. همدلی و همبستگی شما مردم و چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح ملت ایران است؛ این سلاحی است که در طول بیست و شش سال بعد از پیروزی انقلاب تا امروز کارایی خود را نشان داده و بعد از این هم نشان خواهد داد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

دشمن، اتحاد مردم را هدف گرفته است. دشمن به نفوذی های خود دل بسته و اعلام می کند که ما در ایران به کسانی که به اهداف آمریکایی ها کمک کنند، کمک مالی می کنیم. این ها صریحاً می گویند که ما می خواهیم در داخل ایران با پول، معارض و به قول خودشان، اپوزیسیون درست کنیم. همه باید بدانند؛ کسی که با پول آمریکا و با حمایت دولت مردان آمریکا بخواهد برای منافع آمریکا کار کند و قیافه ی اپوزیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است. همه ی ملت ایران، به خصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه ی تأثیری فراتر از حول و حوش خودشان دارند، بدانند امروز علاج همه ی مشکلات این کشور، همبستگی و مشارکت عمومی است.»[۱]

این سخنان ارزنده رهبر معظم انقلاب را می توان در این موارد خلاصه نمود:

۱. وظیفه اسلامیِ آحاد جامعه، حمایتِ منسجم از دولت اسلامی است.

۲. وظیفه مسئولین در قبال مردم و منتقدین، برخورد مهربانانه و با احترام با آن ها است.

۳. هیچ کسی به بهانه انتقاد حق تخریب دولت اسلامی را ندارد.

۴. منتقدین باید با انصاف و با در نظر گرفتن خدمات، انتقاد کنند.

۵. مهمترین سلاح برای مقابله با دشمنان، همدلی مردم و

۱. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۴/۱/۱

دولت است.

۶. دشمن با امکانات مالی قصد بر هم زدن این همدلی و اتحاد را دارد.

همدلی و وحدت، آن‌قدر اهمیت دارد که خداوند متعال، پیامبرش ﷺ را این‌گونه برای تواضع در برابر مسلمین و دوری از تفرقه و جدایی فرمان می‌دهد:

وَاخْفِضْ جَناحَکَ لِمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ.[۱]

و پَر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.

این فرمان خداوند متعال یکی از بهترین و ظریفترین دستورات برای ایجاد همدلی و وحدت بین حکومت و مردم می‌باشد.

مناجات

حیف که از دست ما ماه خدا می‌رود
ماه مناجات و نور، ماه دعا می‌رود
ماه سحر خیزی اهل صفا می‌رود
ماه وصال علی، ماه ولا می‌رود
هر شب و هر روز بود، بزم خدا جای ما
زمزمهٔ افتتاح، سر زد از آوای ما
حیف که مانند برق، این مه معبود رفت
دیر ز راه آمد و، خنده زد و زود رفت

۱. الشعراء، آیه ۲۱۵

۳۰
یوم الجایزه

انگیزه‌سازی

جابر از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چون به هلال ماه رمضان می‌نگریست روی خود را به سوی قبله می‌کرد، و آن‌گاه می‌گفت: «خدایا این هلال را با امن و ایمان، و سلامت از آفات، و تسلیم در برابر اوامر و نواهی خود، و توأم با عافیتی فراگیر، و رزقی گسترده، و دفع دردها و بیماری‌ها، و با تلاوت قرآن، و یاری بر نماز و روزه در محیط ما طالع گردان، خدایا ما را در قیام به وظائف خود برای ماه رمضان و آن ماه را برای ما از اشتباه در روزهای آن سالم بدار، و عبادات ما در این ماه را از ما بپذیر تا ماه رمضان به حالی سپری شود که تو ما را آمرزیده باشی.»

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به مردم کرده، و می‌فرمود: «ای گروه مردمان، چون هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین سرکش به غل کشیده می‌شوند، و درهای آسمان و ابواب بهشت و درهای رحمت گشوده می‌شود، و ابواب دوزخ بسته می‌گردد، و دعا به اجابت می‌رسد، و خدای تبارک و تعالی را در هر عید فطری آزادشدگانی هست که ایشان را از آتش آزاد می‌سازد، و در هر شب منادیی ندا می‌دهد که: آیا تائبی هست؟ آیا سائلی هست؟ آیا آمرزش خواهی هست؟ [و آن منادی ندا می‌دهد که] خداوندا هر که در راه تو چیزی صرف نماید، او را عوض کرامت کن و هر که امساک کند او را تلف کن، و چون هلال شوّال طلوع کند، به مؤمنان ندا می‌رسد که: به سوی جوائزتان بشتابید که امروز روز جائزه است.»[1]

اقناع اندیشه

عید فطر یکی از چهار عید بزرگ مسلمین است، چنانچه در روایت وارد شده:

قال ابی الحسن العسکری علیه السلام: إنَّمَا الأعيادُ أربَعَةٌ لِلشّيعَةِ: الفِطرُ و الأضحی و الغَديرُ و الجُمُعَةُ.[2]

امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: شیعیان فقط چهار عید دارند: فطر، قربان، غدیر و جمعه.

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص: ۹۶

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج۹۵، ص: ۳۵۱

البته روز عید برای مسلمانان با دیگر ادیان متفاوت است، چرا که عید برای مسلمین روزی می‌باشد که بیشتر اطاعت خداوند متعال نمایند و معصیت خداوند نکنند چنانچه در روایتی وارد شده است:

قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام فِي بَعْضِ الْأَعْيَادِ: إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللهُ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمُ عِيد.[1]

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی از عیدها فرمودند: همانا این روز برای کسی عید است که خداوند روزه‌اش را قبول نموده باشد و از نمازش تشکر نماید و هر روزی که خداوند در آن روز معصیت نشود، پس همان روز، عید است.

لذا در شب و روز عید فطر، اعمال عبادی زیادی وارد شده است و عبادت در این شب و روز ارزش بسیاری دارد، چنانچه در حدیث شریفی وارد شده است:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْعِيدِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.[2]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: کسی که شب عید را شب زنده‌داری کند، در روزی که قلب‌ها بمیرد، قلب او نمی‌میرد.

اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نیز همین‌گونه عمل می‌نمودند، چنانچه از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است:

كانَ أَميرُالمؤمنينَ عليه‌السلام لايَنامُ ثلاثَ ليالٍ، لَيلةَ ثلاثٍ وعِشرِينَ مِن

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، ص: ۵۵۱

۲. محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۷۶

شَهرِ رَمَضانَ، ولَیلَةَ الفِطرِ، ولَیلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ، وَ فِیها تُقسَمُ الأرزاقُ وَ الآجالُ وَ ما یَکونُ فی السَّنَةِ.[۱]

امیر المؤمنین علیه‌السلام سه شب را نمی‌خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه ماه شعبان؛ در این شب‌ها، روزی‌ها تقسیم و مدّت عمر و هر آنچه در آن سال رخ خواهد داد، تعیین می‌شود.

با توجه به این مطالب می‌توان گفت که عید فطر برای افرادی عید است که اهل عبادت و ریاضت هستند. این افراد با عبادات و تلاش خویش در ماه رمضان، لطف و رحمت خداوند متعال را به سمت خویش جلب می‌نمایند و خداوند با نزول رحمت خاصه‌ی خویش و بخشیدن خطای این دسته از بندگان، به آن‌ها پاداش می‌دهد، چنانچه خود خداوند متعال وعده داده است:

وَ إِذا جاءَکَ الَّذینَ یُؤْمِنُونَ بِآیاتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ.[۲]

«و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرّر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.»

۱. محمد بن الحسن الطوسی، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج۲، ص: ۸۵۳
۲. الأنعام، آیه ۵۴

این‌گونه می‌توان گفت، کسانی که اهل روزه و عبادت در ماه خدا باشند و سختی‌ها را به خاطر خداوند متعال و قرب به او تحمل کنند، در واقع به آیات و فرامین خداوند ایمان آورده و آنها را پذیرفته‌اند، لذا طبق آیه فوق، از رحمت خداوند نیز بهره‌مند می‌گردند.

گفتیم که برای مسلمین، روزی عید است که در آن، خداوند متعال بیشتر عبادت شود و معصیت او صورت نگیرد. لذا در روز عید فطر خداوند بر بندگانش منت نهاده و عملی را به عنوان واجبِ مخصوص این روز قرار داده است و این‌گونه، اسباب تقرّب سریع‌تر بندگان را به سوی خویش فراهم نموده است. این واجبِ مخصوص، همان زکات فطره است که مکمل روزه ماه رمضان می‌باشد. در روایت شریفی وارد شده است:

قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ علیه‌السلام إِنَّ مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءَ الزَّكَاةِ يَعْنِي الْفِطْرَةَ كَمَا أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهُ مَنْ صَامَ وَ لَمْ يُؤَدِّ الزَّكَاةَ فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّداً وَ لَا صَلَاةَ لَهُ إِذَا تَرَكَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله.[۱]

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: همانا که از موجبات کمال روزه، زکات یعنی فطره است، همان طور که صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از موجبات کمال نماز است، زیرا کسی که روزه بگیرد و زکات نپردازد، در صورتی که در این کار متعمّد باشد، روزه‌ای در نامه عملش منظور نمی‌شود، و در صورتی که صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص: ۱۸۳

ترک کند نمازی برای او محسوب نمی‌گردد.

طبق مطالب مذکور، عید فطر با اعمال مستحب متعدد و نیز زکات واجبی که خداوند مخصوص این روز قرارداده، یکی از اعیاد بزرگ مسلمین است و خداوند بعد از اتمام ماه رمضان، بهترین جایزه را به مؤمنین عطا می‌نماید چنانچه وارد شده است:

حسن بن راشد روایت کرده: به امام صادق علیه‌السلام معروض داشتم که مردم می‌گویند کسی که ماه رمضان را روزه بدارد، در شب قدر مغفرت الهی برا و نازل می‌شود، پس امام علیه‌السلام فرمود:

ای حسن، مزد کارگر را وقت فراغتش از کار می‌پردازند، و مغفرت مزدی در برابر روزه است، و از این رو آن را در شب عید می‌بخشند. گفتم: فدایت شوم، پس برای ما چه عملی در آن شب شایسته است؟ فرمود: چون خورشید غروب کند سه رکعت نماز مغرب را به جای آور و هر دو دست را به سوی آسمان بردار، و بگو: ای صاحب تفضّل و عطا، و ای مالک قدرت و قوّت بی‌انتها، ای گزیننده محمّد و یار و یاور او، درود و رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام، و من آن را از یاد برده‌ام، در صورتی که آن نزد تو در نامه‌ای بیان‌کننده محفوظ و مضبوط است. بر من بیامرز.[1]

این جایزه از آن رو بهترین جایزه است که اگر مغفرت خداوند

---

۱. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۱۶۷

متن اصلی دعا: «یَا ذَا الطَّوْلِ یَا ذَا الْحَوْلِ یَا مُصْطَفِیَ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْلِی کُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَنَسِیتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ وَتَخِرُّ سَاجِداً وَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ أَتُوبُ إِلَی اللهِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ وَتَسْأَلُ حَوَائِجَکَ.»

شامل حال بنده‌ی او نشود، این بنده از بهشت محروم و در دوزخ وارد می‌گردد، چنانچه در دعایی که در روز عرفه خوانده می‌شود آمده است:

يَا مَوْلَايَ حَاجَتِيَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.[1]

ای مولای من حاجتی که اگر به من عطا کنی و حاجات دیگر مرا به من ندهی مرا ضرری ندارد و اگر این حاجت مرا ندهی هرچه به من بدهی نفعی برای من ندارد، رهایی یافتن من از آتش دوزخ است.

البته باید بگوییم که درب خانه خدا همیشه برای بندگان باز است و حتی افرادی که در این ماه نیز دچار وسوسه نفس و معصیت شده‌اند نیز می‌توانند در این شب و روز بزرگ از رحمت خداوند بهره‌مند گردند و با توبه واقعی در زمره بندگان صالح خداوند متعال به شمار آیند اما طبیعی است که افرادی که بدون تکبر و ریا در ماه رمضان اعمال و عبادات خالصی انجام داده باشند، در پیشگاه خداوند متعال از تقرّب بیشتری برخوردار هستند.

پرورش احساس

أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللهِ لَيْسَتْ

۱. محمد بن جعفر بن مشهدی، المزار الکبیر، ص: ۴۵۳

بِجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ ثُمَّ قَالَ هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ.[۱]

امام باقر علیه‌السلام به نقل از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: هنگامی که اولین روز از ماه شوال شود، منادی ندا می‌دهد که ای مؤمنان، به سوی جوائزتان بشتابید. سپس فرمودند: ای جابر، جوائز خداوند مانند جوائز پادشاهان (از متاع‌های دنیوی) نمی‌باشد. سپس فرمودند: عید فطر، روز جایزه‌هاست.

از این کلام شریف معلوم می‌شود که خداوند متعال، جوایز فراوانی را در پرونده اعمال مؤمنینِ روزه‌دار ثبت خواهد کرد، اما از آنجایی که قرار نیست جوایزی از جنس متاع‌های دنیوی به افراد عنایت شود، جوایز این روز را می‌توان اموری از قبیل میل قلبی و توفیق در انجام عبادات و اعمالی بیش از گذشته، توفیق زیارت قبور ائمه و بزرگان، توفیق ترک گناهان و عادات بد، رهایی از تبعات گناهان گذشته، نعمات بهشتی و نزدیک‌تر شدن دعاها به اجابت، دانست.

از همین رو، در ماجرایی از امام حسن مجتبی علیه‌السلام آمده است که ایشان در روز عید فطر گروهی را دید که مشغول بازی و خنده بودند. پس در حالی که به آنان اشاره می‌کرد به اصحاب خویش فرمود: «همانا خداوند عزّ و جلّ ماه رمضان را میدان مسابقه برای بندگان خود قرار داده است تا با طاعت و عبادت خود برای رسیدن به رضوان و خشنودی خداوند از یکدیگر پیشی بگیرند.

۱. محمد بن یعقوب (شیخ کلینی)، الکافی (ط – اسلامیة)، ج ۴، ص ۱۶۸

پس گروهی در این میدان تاختند و به خشنودی الهی فائز شدند و عدّه‌ای دیگر عقب افتادند و تقصیر کردند و زیان دیدند. پس شگفتا و بسیار شگفتا از آن که به خنده و بازی مشغول باشد در چنین روزی که نیکوکاران در این روز پاداش می‌یابند و تقصیرکاران زیان می‌بینند.» سپس فرمودند: «وَ أَیمُ اللهِ لَوْکُشِفَ الْغِطَاءُ لَشُغِلَ مُحْسِنٌ بِإِحْسَانِهِ وَ مُسِیءٌ بِإِسَاءَتِهِ.»[1] یعنی به خدا سوگند که اگر پرده‌ها از جلوی چشمان مردم کنار رود، هر آینه افراد نیکوکار (با انگیزه‌ای مضاعف) به نیکوکاری خود و بدکاران (نیز با انگیزه‌ای مضاعف) به کارهای بد خود مشغول خواهند شد.

بنابراین اگر مؤمنین جایزه‌های ذخیره شده در نزد خداوند متعال را مشاهده کنند، با اشتیاق هر چه بیشتر به سوی کارهای خیر روانه می‌شوند؛ همان‌گونه که افراد بدکار و ستمگر اگر بفهمند که تنها تا زمان مرگ آزاد بوده و پس از آن به سوی عذابی دردناک رهسپار خواهند شد، با انگیزه‌ای مضاعف سعی می‌کنند تا در فرصت باقی مانده، از دنیا و نعمات مادی بهره‌مند شوند و در این مسیر به مانند گذشته از هیچ ظلم و گناهی إبا نخواهند کرد.

همچنین مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) درباره تقوا و قدرت مبارزه با هوای نفس که یکی از بزرگترین جوایز عید فطر است، این‌گونه فرموده‌اند:

«انسانی که به برکت ماه رمضان، قدرتِ مبارزه با هوای نفس پیدا کرده، دستاورد بزرگی را به دست آورده است که باید آن را حفظ

۱. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱۱

کند. انسانی که از عادت به هوس‌رانی و عادت زشت پاسخگویی مثبت به هوس‌ها و شهوات تا هرجایی که برای او مقدور است رنج می‌برد، در ماه رمضان می‌تواند بر این عادت فائق آید؛ باید این را برای خود حفظ کند. همه بدبختی‌های بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلم‌ها، همه تزویرها، همه نامردمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، همه جنگ‌های ظالمانه، همه حکومت‌های فاسد، همه تسلیم شدن و ظلم‌پذیری در میان ملت‌ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسانِ رستگاری شده است. ماه رمضان این را در شما به وجود آورده است. عید امروز برای این است که محاسبه‌ای بکنید؛ پاداشی را که خدا در اوقات ضیافتِ خود به شما داده است، برای خودتان نگاه دارید و رابطه خود را با خدا محکم کنید.»[۱]

از کلام ایشان این درس فهمیده می‌شود که خیرِ دنیا و آخرت در مبارزه با نفس و رعایت تقوای الهی در تمام امور و لحظات است و ماه رمضان فرصتی طلایی برای این بهره‌مندی بوده و هست.

رفتارسازی

یکی از نکات اساسی درباره عید فطر، که عید بندگی و مغفرت است، حفظ درجات و رحمت‌های جلب شده در این ماه شریف

۱. سخنان مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر مورخ ۷۸/۱۰/۱۸

می‌باشد، تا بتوان از آن رشد معنوی در تمام طول سال بهره برد و در ماه رمضان سال بعد بر آن افزود. نه آنکه با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، دوباره به اشتباهات و خدای نکرده گناهان گذشته بازگشت نماییم و این عید معنوی را به سرعت تبدیل به عزا کنیم.

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) نیز در توصیه‌ای از همین قبیل، در روز عید فطر خطاب به مؤمنین می‌فرمایند:

«برادران عزیز! خواهران عزیز! شما روزه‌داران مؤمن در سرتاسر ماه رمضان با روزه‌ی خود- برای کسانی که روزه بر آن‌ها واجب بوده است- با عبادت خود، با دعای خود، با توسل خود، با احیای خود، با تلاوت قرآنی که کردید، با ذکر و خشوعی که به خرج دادید، این فرصت را برای خود به وجود آوردید که دل‌های خود را به خدای متعال نزدیک کنید؛ این فرصت را مغتنم بشمارید؛ این دستاورد را بزرگ بدانید و آن را برای خودتان حفظ کنید.»[۱]

نکته دیگر آن است که با توجه به ماهیت معنویِ این عید، لازم است تا مراسم‌ها و عاداتی که مؤمنین به مناسبت این روز شریف دارند، اصلاح گردیده و به جای آنکه رنگ و بوی دنیایی بگیرد، از صِبغة الله[۲] برخوردار شود. زیرا عید فطر، عید بازگشت به سوی دنیا نیست، تا بخواهیم با اشتیاق به مظاهر خوراک

۱. سخنان مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر ۸۴/۸/۱۳
۲. رنگ الهی

و پوشاک رو آوریم. امام خامنه‌ای نیز با نقل داستانی از زندگی امام علی علیه‌السلام، این نکته را به مؤمنین متذکر می‌شوند. ایشان می‌فرمایند:

«در روایتی است از سُوید بن غَفَله که از دوستان امیرالمؤمنین است و درباره‌ی او این‌طور گفته‌اند که «مَن کَانَ مِن أولِیَاءِ أمِیرِالمُؤمِنِین علیه‌السلام»؛ یعنی از نزدیکان امیرالمؤمنین بوده است؛ که می‌گوید روز عید فطر در خانه‌ی امیرالمؤمنین بر او وارد شدم. «فَإذَا عِندَهُ فَاثُورٌ أی خِوَانٌ»؛ در مقابل او سفره‌ای گسترده شده بود و حضرت مشغول غذا خوردن بودند. «وَ صَحفَةٌ فِیهَا خَطِیفَةٌ وَ مِلبَنَةٌ»؛ غذای بسیار متواضعانه‌ای در مقابل حضرت گذاشته شده بود. «خطیفة» غذایی است که در حداقل امکان برای کسی تهیه می‌شود؛ مثلاً مقداری شیر و مقداری آرد مخلوط می‌کردند؛ غذای کاملاً فقیرانه. «فَقُلتُ یَا أمِیرَالمُؤمِنِینَ یَومُ عِیدٍ وَ خَطِیفَة؟»؛ عرض کردم یا امیرالمؤمنین! شما روز عید چنین غذای کم‌اهمیت و کم‌ارزشی می‌خورید؟ معمول این است که در روزهای عید، مردم بهترین غذاهای خود را می‌خورند؛ شما به این غذا اکتفا کردید؟ «فَقَالَ: إنَّمَا هَذا عِیدُ مَن غُفِرَلَهُ»؛ فرمود امروز، روز عید است؛ اما برای کسانی که مورد مغفرت الهی قرار گرفته باشند.[1] یعنی عید بودنِ امروز به خوردن غذاهای رنگین و دل‌خوش کردن به شادی‌های کودکانه نیست؛ این عید واقعی است برای کسانی که بتوانند و توانسته باشند مغفرت

۱. محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ج۲، ص: ۹۹

الهی را برای خودشان تحصیل کنند. در یک جمله‌ی دیگر امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللهُ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ»؛ عید فطر، عید است برای کسی که خدا روزه‌ی او را مورد قبول قرار دهد و نماز و عبادت او را مورد شکر و سپاس خود قرار دهد. «وَكُلُّ يَومٍ لا يُعصَى اللهُ فِيهِ فَهُوَ يَومُ عِيدٍ»؛ آن روزی که من و شما این توفیق را پیدا کنیم که هیچ معصیتی از ما سر نزند، روز عید و شادمانی است.

البته گفته شده است در عید فطر به یکدیگر تحیت بگویید؛ لباس‌های تازه‌ی خود را بپوشید؛ آن روز را روز عید و شادمانی بدانید؛ اما جوهر این عید عبارت است از توجه به معنویت و طلب مغفرت و درخواست رحمت پروردگار.»[1]

پس می‌توان کلمات ایشان را در این محورها خلاصه نمود:

۱. دستاورد بزرگ ماه رمضان را که تقرب به خداوند با خشوع و عبادات است، باید حفظ نمود.

۲. به فرموده امیرالمؤمنین علیه‌السلام عید فطر برای کسانی واقعاً عید است که توانسته باشند مغفرت الهی را به دست آورند.

۳. ماهیت عیدِ فطر، توجه به معنویت و طلب مغفرت و رحمت پروردگار است، اگرچه به پوشیدن لباس نو و تهیه نمودن غذایی نیکو و امثال آن نیز توصیه شده.

---

۱. سخنان مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر ۸۴/۸/۱۳

دفتر مطالعات پژوهش ها
وارتباطات حوزوی

شهد سخن ۱۰ هم‌دلی و هم‌زبانی

مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش

قم، ۴۵متری آیت الله صدوقی(ره)
۲۰متری حضرت ابوالفضل(ع)، پلاک۱۰۳
دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد
تلفن:۳۶-۳۲۹۲۳۸۳۵-۰۲۵
www.masjed.ir